



سید جلال ساداتیان، سفیر و نماینده پیشین مجلس در گفت‌وگو با اراده ملت عنوان کرد:
**تحزب در دیدگاه امام، امری پذیرفته شده بود /
تا استقرار نظام حزبی فاصله‌ای طولانی داریم**



مهندس مسعود دانشمند، عضو هیئت رئیسه اتاق ایران در گفت‌وگو با اراده ملت تشریح کرد:
**سیاسیون تنها در ایام انتخابات از بخش خصوصی
یاد می‌کنند / اینجا هر تصمیمی که بخواهند
بگیرند تصمیم دولت است**



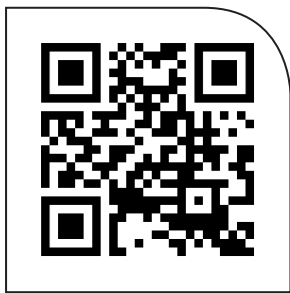
هفته‌نامه غیربرخط اراده‌ملت شماره ۴۵ سه‌شنبه ۱ شهریور ۱۴۰۱

**آیا مدیران پیشین حوزه آب شهر همدان مرتکب ترک فعل شده‌اند
حزب وحدت ایران ویادی از سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ شمسی
نگاهی به پیشینه و گذشته حادثه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
گزارش تصویری حکایت مسکن (بخش دوم)
حکمرانی در جهان خرد بنیاد
غلبه نگاه سلبی به فرهنگ
پرستار، کارمند نیست
ماه‌نو، ماجرای کهنه**

بازگشت به شیوه

سقایی برای تأمین آب





۷



نوشتار

وزیر ارشاد دولت ابراهیم رئیسی در برنامه ۸۴ صفحهای خود که در هنگام معرفی به مجلس ارائه دادند، پنج سیاست اصلی خود را به شرح زیر اعلام کردند:

- O پرهیز از نگاه ایزاری به فرهنگ
- O پرهیز از نگاه جزیرهای به فرهنگ

۱۵



گزارش

هر ساله ۴ شهریور را روز کارمند می نامند. روزی برای قدردانی از مجریان دولت! یکی از بزرگترین و تأثیرگذارترین مجریان پرستاران هستند. انسانهایی که به واسطه ماهیت حیاتی و انسانی شغلشان پیش از اینکه کارمند نام گذاری شوند، با عناوینی چون فرشته و ایثارگر در ادبیات عموم

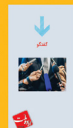
۲۴



اندیشه

حترام و ارادت ناچیز به جناب آقای دکتر ریاحی، اینک امسال که سال ۱۳۸۲ خورشیدی است سابقهای پنجادو هفت و هشت ساله دار بدین توضیحی که در سال ۱۳۳۴ محمدمامین ریاحی دانشجوی برانده دانشکده ادبیات بود و احمد مهنوی دامغانی دانشجوی دانشکده معقول و منقول و در اوایل ۱۳۳۵، در گیراگیر

۲۹



گفتگو

تعریف شما از حزب و حکمرانی حزبی چیست؟
اینکه حزب در کل چه نوع تشکیلاتی است؟ و اینکه حزب در ایران چه جریگه ای است؟ این هادو سوال متفاوت با دو جواب متفاوت است. به طور معمول احزاب سیاسی گروهی بایدهنولوژی مشخص اند که طالب حضور در قدرت هستند. رهبران گروه بایدهنولوژی حزب را برای جامعه ترسیم می کنند و اعلام می کنند که چنانچه در

۳۴



رویدادهای ایران

روایت الجزیره از جزئیات پیش نویس اروپا برای احیای برجام
الجزیره درباره جزئیات پیش نویس اروپا برای احیای برجام نوشت:
پیش نویس اروپا برای احیای برجام شامل ۴ مرحله و دو دوره زمانی ۶ روزه است. در ادامه این مطلب آمده است: اولین روز بعد از امضای توافق

۳۷



معرفی و پیشنهاد

فیلم خیاط در ژانر کمدی، درام اگرچه ظاهری کمیک دارد اما در بطن خود رنجهای زیادی را به نمایش می گذارد. در این فیلم جامعه ای آشنا از طعنه ها و حرف و حدیث ها را می بینید جامعه ای که تنها ظاهر اعمال را می بیند و بر داشت آن از اتفاقات به صورت سلیقه های و مطابق میل رخ می دهد و به دنبال حقیقت نمی رود و

۴۴



اخبار حزبی

جلسه دفتر سیاسی حزب طبق روال مرسوم، روز یکشنبه ۲۳ مردادماه با حضور تمام اعضا تشکیل شد. در این جلسه بعد از تبادل نظر و تحلیل در مورد مسائل روز کشور ابتدا گزارش کاملی از آخرین کنگره سازمان عدالت و آزادی توسط علی احسان سلگی ارائه گردید.



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱ / شماره ۴۵



صاحب امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیر مسئول:

(در حال تغییر مدیر مسئول)

زیر نظر

شورای سردبیری و هیات تحریریه

همکاران این شماره:

راضیه گمار / زهرا کرد / زهره رحیمی
فائزه صدر / مهشید قاسمی / افشین فرهنگچی
پیام فیض / حسن غلامی / حمید سپهری
کاظم طیبی فرد / کوروش الماسی
علی صابری / علیرضا مالمیر

نشانی:

نشانی: خیابان اسکندری جنوبی، نرسیده به خیابان
آزادی، بن بست خلیلی پلاک ۱ واحد ۱

تلفن:

۰۲۱۶۶۵۶۳۰۶

تلفکس:

۰۲۱۶۶۵۶۷۸۴۵



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

به جای مقدمه

اختلاس، بی آبی و کسوف‌های برج‌جانی

دانشمند عضو هیئت‌رئیسۀ اتاق ایران می‌نشینیم تا با دیدگاه‌های ایشان در مورد تحزب و تشکل آشنا شویم. بخش دوم گزارش تصویری از حکایت مسکن در ایران را نیز در همین شماره تقدیم شما عزیزان می‌نماییم.

طبق معمول پیشنهادهایی برای شما در زمینه کتاب، فیلم، رویداد و ... داریم و در انتها مروری می‌کنیم بر اخبار ایران و جهان و حزب اراده ملت.

لازم به یادآوری است که عکس صفحه اول نشریه، از مجموعه عکسهای خبرگزاری ایرنا از توزیع آب در شهرکرد برداشته شده است. بدینوسیله از عکاس و خبرنگار محترم این خبرگزاری، احمد ریاحی دهکردی تشکر می‌نماییم

چهل و پنجمین شماره نشریه اراده ملت را در این روزهای گرم تابستانی به هم‌وطنان عزیز تقدیم می‌نماییم. باشد که حرف‌هایمان شنیده شود و گره از کاری بگشاید.

در این شماره و در ادامه بحث چند شماره اخیر به بررسی عملکرد یک‌ساله دولت در حوزه فرهنگ و ارشاد پرداخته‌ایم. مطالبی داریم در مورد بحران آب در کشور و علی‌الخصوص در همدان. همچنین نگاهی انداخته‌ایم به وقایع نگاری کودتای ۲۸ مرداد و تاریخچه حزب وحدت ایران. دو یادداشت نیز داریم در مورد رؤیت ماه نو در انتهای ماه رمضان و تفکیک پرستاران از کارمندان. در بخش گفتگو پای صحبت جلال ساداتیان نماینده سابق مجلس و مسعود

حکمرانی

در جهان خرد بنیاد

و حاکمیت چیست و چه کاربردی دارد، محصول خلق تعاریف (تاریخی، متافیزیکی، آرمانی، رؤیایی و...) سلیقه‌ی برخی اذهان نیست، بلکه "برآیند فهم سازو کار شرایط و امور زیست انسانی است".

شاید برخی نگارنده را ساده اندیش تلقی کنند؛ اما به باور نگارنده، شاه کلید حل و فصل انواع چالش‌های بسیار دشوار و خطرناک اجتماعی و ملی "فهم جمعی و به‌ویژه میان‌نخبگان و صاحب‌منصبان وطن‌دوست، از چپستی مفهوم و کارکرد حکمرانی یا حاکمیت است". به عبارتی تصور فقدان یک جامعه بدون سازمان و سازو کار حکمرانی؛ کارکرد، چپستی، ضرورت و اهداف ساختار حکمرانی را برای مانمایان می‌کند.

تضعیف شدید اخلاق سیاسی، روابط خارجیه پرهزینه، آموزش و پرورش سر درگم، بهداشت و درمان بسیار گران و کمیاب،... و به‌ویژه فقر گسترده در جامعه برطرف نخواهد شد، مگر اینکه نخبگان، متنفذین و صاحب‌منصبان "وطن پرست" به درک مشترک، کاربردی و فراجناحی پیرامون چپستی و چرایی حکمرانی و مدیریت کلان سیاسی نائل شوند.

در صورتی که تلاش شود، به هر دلیل (به‌ویژه به دلایل سوداگرانه و پیگیری اهداف غیر ملی) تعریفی (تاریخی) سلیقه‌ای و غیر صادقانه از چپستی و چرایی حکمرانی که برگرفته از شرایط عینی نیست را خلق کنیم، پیامد چنین ترفندی، جز ظهور انواع چالش‌های اجتماعی و ملی که نشان آشکار از سر نوشت مدیریت کلان سیاسی است، در پی نخواهد داشت.

در جهانی که کشورهای قدرتمند و زورگو به اشکال گوناگون، پیوسته در حال غارت منابع و دارایی‌های ملی کشورهای ضعیف هستند، کشوری که نخبگان آن اجماع نظر پیرامون فهم کاربردی از چپستی و چرایی حکمرانی نداشته باشد، هیچ شانس برای آرامش، رفاه، امنیت، دفاع و پایداری نخواهد داشت. شاید با توجه به تبیین بسیار کلی فوق بتوانیم به دو پرسش پاسخ مختصری دهیم:

حکمرانی چیست؟ "مدیریت تلاش جمعی" به مثابه تبلور خرد و اراده جمعی (ملی) که در نهادهای گوناگون تبلور می‌یابد، به منظور تهیه، تأمین و تحقق انواع نیازهای حیاتی شهروندان (انسان‌ها) است. به عبارتی، سازمان حکمرانی که تبلور خرد و اراده جمعی نباشد، یک معمای آسمانی است.

وظیفه حکومت چیست؟ تنها وظیفه قابل فهم و قابل توجه حکومت‌ها، ایجاد بسترها و سازو کارهای ضروری که شهروندان بتوانند از طریق آن‌ها نیازهایی چون غذا، لباس، مسکن، بهداشت و درمان، امنیت، آموزش، نشاط، امید و... را تهیه و تأمین کنند، می‌باشد. هیچ صاحب‌منصبی، اخلاقاً و منطقاً حق ندارد با ترفندهای گوناگون اهداف و سیاست‌هایی را که مغایر منافع جمعی (ملی) است (تخاصم کور با دیگر کشورها، توسعه و بهبود زیست شهروندان کشورهای دیگر، هزینه برای آرمان‌های رویاگونه و ناممکن و...) را پیگیری کند.

برای نقد دلسوزانه، صادقانه و سودمند ناکارآمدی مدیریت کلان، مانایز مندی یک معیار یا متر هستیم. به باور نگارنده، یگانه متر سیاسی که می‌توان با آن عملکرد مدیریت کلان سیاسی را ارزیابی و نقد کرد، "متر منافع ملی" است.

بر کسی پوشیده نیست که شهروندان دچار انواع دشواری‌ها در عرصه‌های گوناگون به‌ویژه معیشتی و اقتصادی هستند. اینکه انواع چالش‌های اجتماعی و ملی که ریشه در ناکارآمدی مدیریت کلان سیاسی دارد، غیر قابل انکار است؛ اما پرسشی که باید پاسخ داده شود، اینکه دلایل ناکارآمدی مدیریت کلان سیاسی چیست؟ چرا شهروندان کشوری باین همه منابع و ذخایر خدادادی، شهروندان وطن‌دوست، جوانان تحصیل کرده و بانگیزه نخبگان عالم در عرصه‌های گوناگون «علمی»، تاریخ کهن و پرافتخار و... باید این همه گرفتار انواع چالش‌های دشوار و غیر منطقی باشد؟

شاید ریشه‌ای‌ترین باس منشأ تمامی چالش‌های اجتماعی و ملی که زیست شهروندان را طاقت فرسا کرده است، فقدان درک مشترک میان نخبگان و متنفذین پیرامون چپستی و چرایی مدیریت کلان (حکمرانی، حاکمیت) باشد؛ بنابراین، به منظور ایجاد درک مشترک و کاربردی، تبیینی مختصر و کلی از چپستی و چرایی مدیریت کلان سیاسی در این موجز ارائه می‌شود.

حکمرانی چیست؟ اگر نگاهی تاریخی به دلایل ایجاد و رشد انواع نهادهای اجتماعی بیندازیم، خواهیم دید که در گذشته‌ها نهادهای اجتماعی مثلاً، بیمارستان‌ها، مدارس، سازمان آب و برق، قوه قضائیه، مساجد، نهادهای دفاعی، دادوستد و... به شکل امروزی وجود نداشته‌اند. اینک توسعه نهادهای اجتماعی برآیند تلاش خستگی‌ناپذیر انسان‌ها، برای تدبیر راهکارهای کم‌هزینه و سهل‌تر به منظور رفع انواع نیازهای انسانی است. حکمرانی خرد بنیاد را می‌توان مدیریت انواع نهادهای اجتماعی که ابزارها و سازو کارهای جمعی برای برطرف کردن انواع نیازها انسان‌های زمینی (شهروندان) است، درک و تلقی کرد.

شاید کاربردی‌ترین روش درک اهمیت مدیریت کلان (حاکمیت)، طرح این پرسش باشد، اگر در جوامع انسانی ساختار حکمرانی در قالب نهادهای گوناگون حکومتی وجود نداشته باشد، چه می‌شود؟ ساده‌ترین پاسخ می‌تواند این باشد که بدون حکومت جامعه‌ای وجود نخواهد داشت. به عبارتی، هستی جامعه با سازمان حکمرانی قابل درک است.

نیازهای انسانی، نهادهای اجتماعی و پدیدار شدن حکمرانی (سازمان عینی اراده و خرد جمعی) سیر تکاملی و ساختار قابل فهم، چپستی و چرایی نهاد حکومت است. مثلاً، روند توسعه ابزار دفاعی از گذشته‌های دور تا به امروز شامل چوب، سنگ، نیزه، تیر و کمان، شمشیر،... انواع سلاح‌های آتشین مثل توپ، تانک، هواپیما، موشک، لیزر و... بوده است؛ بنابراین، کاملاً منطقی است که تصور کنیم مدیریت دفاعی در دورانی که ابزار نبرد تیر و کمان، شمشیر و... بوده است بسیار متفاوت از دورانی است که در آن ابزارها و سلاح‌های دفاعی موشک‌های قاره‌پیما، تسلیحات شیمیایی، لیزری، اتمی و... می‌باشد.

نخبگان، صاحب‌منصبان و متنفذینی که دیدگاه‌های غیر کاربردی پیرامون چپستی، چرایی و کارکرد حکمرانی دارند، لازم است به سیر توسعه انواع نهادهای اجتماعی از زمان جوامع ابتدایی تا به امروز توجه داشته باشند تا درکی واقعی، کاربردی، قابل فهم از چپستی و چرایی حکمرانی دریافت کنند.

انسان‌ها خالق اندیشه‌ها نیستند بلکه اندیشه‌ها را کشف می‌کنند؛ اینک حکمرانی



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

بازگشت به شیوه سقایی برای تأمین آب

را فراگرفته است و ما باتدبیر مسئولین به عصر سقایان و آبانبارها و دبه‌ها برگشته‌ایم.

چند سال است که مداوم دانشگاهیان، سمن‌ها، کارشناسان، کنشگران اجتماعی و فعالین محیط زیستی در مورد بحران آب تذکر می‌دهند. همه متوجه بحران شده‌اند به جز کسانی که در رأس مدیریت قرار دارند؛ و این گونه است که ما در سایه بی‌تدبیری مسئولین از حداقل‌های یک زندگی شرافتمندانه محروم شده‌ایم.

در چند هفته اخیر آن چنان با اخبار عجیب از بی‌تدبیری‌ها و نارسائی‌ها و فساد روبرو شده‌ایم که سر رشته کلام را از دست داده‌ایم و نمی‌دانیم که در سرمقاله نشریه به کدامشان بپردازیم مناسب‌تر است: داستان اختلاس در بزرگ‌ترین مجتمع فولاد کشور، خودکشی کارگران، پر نشدن ظرفیت رشته‌های تخصصی و فوق تخصصی پزشکی، اعتراف تلویزیونی، نتایج رتبه‌های برتر کنکور و طبقاتی شدن آموزش در کشور، خشک شدن دریاچه ارومیه، سیل و بی‌آبی هم‌زمان، بلاتکلیفی وضعیت حقوق بازنشستگان در پایان ماه پنجم سال، حذف غربالگری جنین‌های ناقص از پروتکل‌های مرسوم کشوری و موارد دیگر.

بعضی از پدیده‌ها و فرایندها هستند که نتایج و آثارشان در بلندمدت ظاهر می‌شود. درک این پدیده‌ها و تبعات ناشی از آن‌ها برای اکثریت جامعه مقدور نیست. ذهن‌های پیچیده و تفکر چندوجهی و سیستماتیک لازم است تا بتواند با استفاده از شاخص‌ها و چک‌لیست‌ها و علائم و نشانه‌های نه‌چندان آشکار، این نتایج بلندمدت را با درصدی از اطمینان آشکار کند. اکثریت مدیران فعلی فاقد این بینش و توانائی هستند، اگر هم این توان را دارند به دلایلی از به‌کارگیری آن اجتناب می‌کنند و گاهی هم که در گوشه‌ای این توان و اراده بروز می‌کند، موانع پیش روی و هژمونی حاکم نمی‌گذارد که کار به سرانجام رسد. آقایان و خانم‌ها، مدیریت کشوری به‌سان ایران، این گونه به سرانجام نمی‌رسد.

”نزدیک چشمه‌ای در دل کوهسار الوند در صف ایستاده‌ام، خنکای هوا زیرپوستم می‌رود و مختصر لرزی بر اندامم می‌نشیند، چه هوای دلپذیری است و چه روزگار خوشی. احتمالاً تا ساعتی دیگر نوبت من می‌شود و بعدش می‌توانم طلوع آفتاب را از فراز دره‌های کوهستان ببینم.“

”صدای فریادهایش گوش‌خراش است، پیرمردی است نحیف و استخوانی، اما چه صدای رسایی دارد. شاید اگر جوان بود و شرایط بر وفق مراد خواننده اپرا می‌شد؛ اما اینجا، در ورودی اداره آب و فاضلاب، فقط لغات مستهجن از دهانش بیرون می‌آید. مخاطب معلوم نیست.“

”چمباتمه زده بر کاسه توالت نشسته‌ام تا همراهم آبی جور کندوبی فکری‌ام را چاره کند. از قدیم گفته‌اند هر که خربزه می‌خورد پای لرزش هم می‌نشیند. به ترک کاشی‌ها نگاه می‌کنم و مورچه کوچکی را رصد می‌کنم که آرام و بی‌خیال—چونان مردمان سرزمینم از دیوار پائین می‌آید. نمی‌دانم این ساعت روز در این توالت تفتیده چه می‌کند. اینجا که غذائی نیست.“

”سالن گرم است و استدلال‌ها، دلایل و توجیهات تمامی ندارند. مسئول می‌گوید که تمام دنیا خشک شده است. فرانسه بی‌آبی بیداد می‌کند و حتی یانگ تسه هم خشکیده است. می‌گوید ما وضعمان خوب است و اگر اندکی صبور باشیم بهتر هم می‌شود. می‌گوید که دولت و مسئولین تمام تلاش‌شان را می‌کنند تا مشکلات کم شود. می‌گوید رئیس‌جمهور دستور فوری برای حل مشکل داده است. از ما می‌خواهد که اگر پیشنهادی داریم بگوییم. پیشنهاد می‌دهم لااقل ساکت باشیم و سربزه‌زیر افکنیم.“

این جملات نوشته‌هائی است از آنچه بر مردمان سرزمینمان—که این روزها با بحران بی‌آبی دست‌وپنجه نرم می‌کنند—می‌رود. چند روز یا چند هفته‌ای است که در بسیاری از محلات حداقل پنج مرکز استان (شهرکرد، ارومیه، اصفهان، زاهدان و همدان)، با تانکر آب توزیع می‌شود. طبق گفته سخنگوی صنعت آب کشور به بیش از ۱۵ هزار روستا با تانکر آب‌رسانی صورت می‌گیرد. (تعداد کل روستاهای کشور ۵۹ هزار است). بحران آب بسیاری از نقاط کشور



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

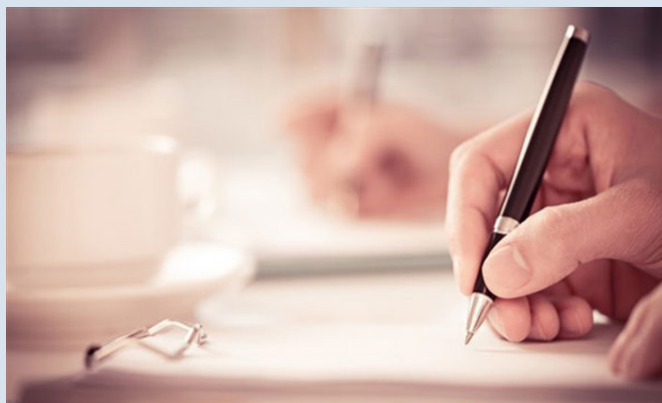
شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱





نوشتار





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

نگاهی به عملکرد دولت در آستانه یک سالگی استقرار (۴)
وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی

غلبه نگاه سلبی به فرهنگ



با الگوی بکار گرفته شده در سه گزارش قبلی ابتدا چالش‌های قدیمی و جدید این وزارت خانه را مطرح کنیم و ببینیم که دولت جدید در راستای حل این چالش‌ها چه اقداماتی را صورت داده است و بر آن اساس به قضاوت نشینیم؛ اما به دلیل اینکه وزیر پیشنهادی برای این وزارتخانه، در برنامه خود توجه ای به چالش‌های مرسوم و مألوف این وزارت خانه نداشته است و از زاویه‌ای دیگر به مسئله فرهنگ در ایران نگرسته‌اند، ترجیح دادیم که در مورد این وزارت خانه به شیوه‌ای متفاوت عمل نماییم و از منظری دیگر عملکرد ایشان را مورد ارزیابی قرار دهیم.

ابراهیم رئیسی در خردادماه سال ۱۴۰۰ پیروز انتخابات شد و فرایند تشکیل دولت را آغاز کرد. این فرایند تا انتهای مردادماه همان سال طول کشید و عملاً از شهریورماه سال ۱۴۰۰، وزرا و رؤسای جدید مستقر شده و برنامه‌های پیشنهادی و ادعایی خویش را شروع کردند. بر آنیم تا در سلسله مقالاتی به بررسی عملکرد یک‌ساله برخی از زیرمجموعه‌های دولت سیزدهم بپردازیم.

به دنبال سه گزارش از عملکرد دولت ابراهیم رئیسی در حوزه‌ها و بخش‌های مختلف که در شماره‌های قبلی نشریه خدمت شما عزیزان ارائه شد در این شماره به سراغ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رفتیم. ابتدا قصد داشتیم مشابه



هفته‌نامه غیربرخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

وزیر ارشاد دولت ابراهیم رئیسی در برنامه ۸۴ صفحه‌ای خود که در هنگام معرفی به مجلس ارائه دادند، پنج سیاست اصلی خود را به شرح زیر اعلام کردند:

۰ پرهیز از نگاه ابزاری به فرهنگ

۰ پرهیز از نگاه جزیره‌ای به فرهنگ

۰ پرهیز از تمرکزگرایی و مرکزگرایی

۰ عدم تمرکز بر شاخص‌های توسعه

۰ استفاده از ظرفیت‌های مردمی و اهالی فرهنگ و هنر

از همین نگارش سیاست‌ها می‌توان دریافت که ایشان بیشتر استفاده از ابزارهای سلیبی را در دستور کار خود دارند تا ابزارهای ایجابی را، لذا چهار مورد از سیاست‌های ایشان سلبی است. (البته در این مورد به تفصیل در ادامه صحبت خواهیم کرد)

جدا از این موضوع مقدماتی، در رابطه با هر کدام از این سیاست‌ها لازم است که توضیحاتی داده شود.

پرهیز از نگاه ابزاری به فرهنگ می‌تواند سیاست خوبی باشد اما سرتاسر برنامه‌ایشان نشان‌دهنده نگاه ابزاری به فرهنگ در راستای اسلامی‌سازی است. جدا از درستی یا غلطی این موضوع و فارغ از نگاه تقلیل‌گرایانه‌ایشان به فرهنگ، به‌هرحال برنامه‌ایشان فرهنگ را ابزاری برای اسلامی‌سازی جامعه در نظر گرفته است. لذا سیاست اول ایشان عملاً مورد عنایت وزیر و مشاورانشان قرار ندارد.

در مورد پرهیز از نگاه جزیره‌ای به فرهنگ می‌توان گفت که گرچه بهترین حالت توجه تمام و کمال به تمام حوزه‌های تحت پوشش فرهنگ است اما مسائل بودجه‌ای، سوابق قبلی، ذائقه مردم، محدودیت‌های فنی، گستره کار و مسائلی از این دست ما را به این سمت رهنمون می‌کند که در حوزه فرهنگ لازم است به بعضی بخش‌ها توجه بیشتری شود. همان‌گونه که در ورزش ما توجه بیشتری به فوتبال یا کشتی می‌نماییم. البته خوب است که ایشان به سایر حوزه‌های فرهنگی و هنری نیز توجه دارند ولی به نظر می‌آید که نتیجه نهایی برنامه‌ایشان منجر به فاصله گرفتن ما از اوج در بعضی رشته‌های هنری خواهد شد. علی‌الخصوص ایشان از سینما به‌عنوان یک تافته جدا بافته نام برده است و ذکر کرده چرا به آن در مقابل حوزه تئاتر و موسیقی و کتاب بیشتر توجه می‌شود. سینما در حال حاضر تنها محصول هنری از ایران است که در تعامل با جامعه جهانی توانسته است نقش مؤثر و قابل توجهی ایفا کند و این نگاه باعث ضعف ما در این تک بخش‌های خاص نیز می‌شود.

در بحث پرهیز از تمرکزگرایی و مرکزگرایی نیز سیاست بسیار خوبی می‌تواند باشد و لازم است به‌تدریج در تمام حوزه‌ها و بخش‌ها دنبال شود. ولی بیان یک نکته خالی از لطف نیست. در بخش هنر و فرهنگ سال‌ها لازم است تا یک اثر فاخر فرهنگی یا هنری خلق شود. شاهنامه در یک سال و دو سال خلق نشده است یا تخت جمشید در دوره پادشاهی یک شاه ایجاد نشده است. تمرکز بر پروژه‌های مشخص فرهنگی و هنری لازمه خلق آثار فاخر و ماندگار است. عمومی کردن فرهنگ و هنر یک بحث است و تمرکززدایی بحثی دیگر. سال‌ها است که مثلاً تئاتر کشور با شهر تهران و تئاتر شهر شناخته می‌شود و تضعیف این ساختار به بهانه تئاتر شهرستان‌ها، می‌تواند ساختار نیم‌بند تئاتر کشور را نیز دچار مخاطره نماید. از طرفی در بعضی از شاخه‌های هنری لازم است که حداقلی از تعداد و افراد در کنار یکدیگر یا ارتباط با یکدیگر وجود داشته باشند؛ و مبادا به بهانه تمرکززدایی این معدود افراد را که باهم بودند نشان منجر به خلق آثار هنری می‌گردد را دچار واگرایی نماییم.

اما چهارمین سیاست ایشان بسیار غریب است. ایشان در توضیح این بخش به‌صراحت مطرح می‌فرمایند که: ”یکی از مسائل مهم و کلیدی آن است که دولت‌ها عموماً برای آنکه بتوانند گزارشی از عملکرد خود ارائه دهند و یا آنکه نمره قابل قبولی دریافت کنند، همواره به دنبال تحقق شاخص‌ها و میزان‌های

استاد بین‌المللی توسعه هستند. درحالی که می‌توان ادعا داشت بخش عمده‌ای از این شاخص‌ها اصلاً با فرهنگ بومی، ملی و اسلامی ما همخوانی ندارد.“ این سیاست ایشان نه تنها میراث بشری را به هیچ انگاشته است، بلکه راه را برای فرار از پاسخ‌گوئی شاخص محور مهیا کرده است. اسناد بین‌المللی توسعه ممکن است ایراداتی داشته باشند ولی میراث مشترک دانش و علم و هنر بشری تا این لحظه هستند به هیچ انگاشتن آن‌ها که قبلاً در معدودی از کشورها تجربه شده، ره به ترکستان بردن است. ثانیاً لازم بود ابتدا شاخص‌های جدید تعیین می‌گردید و مورد ارزیابی صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران قرار می‌گرفت و بعد شاخص‌های کلان و جهانی مورد شمات قرار می‌گرفت. این بحث مثل این می‌ماند که ما شاخص‌های بسیار کلیدی و جهانی نظیر مرگ‌ومیر مادران باردار یا امید به زندگی را از ساختار بهداشتی کشور به بهانه بومی نبودن حذف نماییم. این سیاست فقط منجر به عدم پاسخ‌گوئی نهائی مدیران فرهنگی کشور در قبال کارها و برنامه‌ایشان خواهد شد.

پنجمین سیاست کلان ایشان به استفاده از ظرفیت‌های مردمی و اهالی فرهنگ و هنر برمی‌گردد. این سیاست بسیار پسندیده است و هیچ نقصانی در آن نمی‌توان یافت. فقط یک نکته کوتاه در مورد آن قابل ذکر است. اکثریت برنامه‌ایشان در بخش امور هنری که وسیع‌ترین بخش وزارت خانه تحت زعامت ایشان را در برمی‌گیرد، بر محور محدودیت، برخورد، تذکر، نظارت و ممیزی نسبت به اهالی هنر و فرهنگ و نهادهای صنفی و تخصصی مرتبط با ایشان است. این موضوع آن‌چنان در همان ابتدای کار مشهود بود که منجر به موضع‌گیری نهادهایی مانند خانه سینما و موسیقی و تئاتر شد. حال منظور ایشان از اهالی فرهنگ و هنر چه کسانی است در سالیان پیش رو مشخص خواهد شد.

حال که سیاست‌های کلان برنامه پیشنهادی وزیر را مورد تعمق قرار دادیم می‌توان نگاهی هم به جزئیات برنامه پیشنهادی ایشان و عملکردشان در یک سال اخیر انداخت.

ایشان در برنامه ارائه‌شده حوزه‌های تحت پوشش را در هشت بخش مختلف طبقه‌بندی کرده‌اند و برای هر بخش به تفکیک برنامه‌ای ارائه داده‌اند. هشت بخش طبقه‌بندی شده به‌صورت زیر است:

۱. فرهنگ عمومی:

• سبک زندگی

• ارزش‌ها و هنجارها

۲. امور هنری:

• تجسمی

• نمایشی

• سینما

• موسیقی

۳. قران و عترت

۴. مطبوعات

۵. کتاب

۶. تبلیغات و اطلاع‌رسانی و رسانه

۷. مد و لباس

۸. سازمان‌های تحت پوشش

• سازمان حج و زیارت

• سازمان اوقاف و امور خیریه

• ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد

• سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

• بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای

• نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

مهم ترین اقدامات یک ساله دولت مردمی در حوزه فرهنگ و هنر



خبرگزاری دولتی ایرنا در قالب یک اینفوگرافی با عنوان مهم ترین اقدامات یک ساله دولت مردمی در حوزه فرهنگ و هنر ۹ عملکرد شاخص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را ذکر نموده است که به نظر میاید به جای گزارش عملکرد که باید حاوی شاخص های قابل راستی آزمایی باشد بیشتر به مجمع الجزایری از شعارهای تبلیغاتی می ماند که نشان از بی عملی این وزارتخانه در یک سال گذشته است.

در برنامه ارائه شده در اکثریت بخش ها (فرهنگ عمومی - امور هنری - مطبوعات - کتاب - مد و لباس) هدف اصلی جلوگیری از تولید محتوای نامتناسب با انقلاب اسلامی و ارزش های منتج از آن بوده است و تمرکز بر محدود کردن فعالین فرهنگی و هنری گذاشته شده است که آثار ایشان منطبق با سیاست های این وزارت خانه نیست. در همین بخش ها مقرر شده است که بودجه ها و کمک های مالی در اختیار کسانی قرار گیرد که تولیداتی در راستای ارزش های انقلاب و جبهه مقاومت دارند. از این جهت گرچه تولیدات هنری و فرهنگی با افت کمی و کیفی روبرو بوده است اما عملکرد یک ساله این وزارت خانه قابل قبول بوده و ما کمتر شاهد تولید آثاری هستیم که با استانداردهای جدید دولت همخوانی نداشته است.

مطابق با سایر حوزه ها و وزارتخانه هایی که مورد بررسی قرار گرفته اند یکی از اولین اقدامات دولت بازگرداندن شرایط به حالت قبل از پاندمی کرونا بوده است و در این راستا جشنواره های هنری مجدداً بازگشائی شدند و از همه مهم تر نمایشگاه بین المللی کتاب - گرچه با استقبال کم ناشرین بین المللی و دانشگاهی روبرو بود- در سال جاری بعد از دو سال تعطیلی برگزار شد.

خارجی در ایران می نمایند.

در یک سال اخیر در دو بخش زیرساختی قوانین و اطلاعات و آمار کار چندان مؤثری صورت نگرفته است. البته زمان هم برای اصلاح این ساختارها کافی نبوده است لذا منتظر می مانیم تا ببینیم در سال های آینده در این قسمت وزیر مربوطه چه اقداماتی را انجام می دهد.

در بحث گردشگری خارجی و صادرات صنایع دستی تقریباً هیچ اقدامی در شرایط فعلی نمی تواند صورت گیرد و کماکان به علت تحریم های موجود و محدودیت های فرهنگی و امنیتی نه گردشگر معمولی به ایران می آید و نه خریدی صورت می گیرد. صادرات صنایع دستی نیز در محاق است.

در بحث های داخلی نیز کمبود بودجه و سوء مدیریت مانع از این شده است که بعضی فرایندهای ضروری در این بخش مثل حفاظت بیشتر از میراث فرهنگی، گسترش و بهسازی موزه ها، کار روی سایت های باستان شناسی، استخدام نیروی متخصص، تسهیل تولید صنایع دستی، گسترش زیرساخت های اقامتی و ارتباطی رخ دهد.

سرمایه گذاری های کلان کشورهای همسایه و عدم محدودیت های فرهنگی آن ها خصوصاً همسایگانی نظیر امارات متحده عربی، قطر، کشورهای حوزه قفقاز و ترکیه نیز بخش زیادی از توریست ها را به سمت آن ها کشانده است و اخیراً مشاهده می شود که حتی هنرمندان ایرانی نیز با مهاجرت به سایر کشورها در حال انتقال صنایع دستی بومی ما به آن ها می باشند. در این زمینه نیز به دلایل مختلف دولت نتوانسته است کاری انجام دهد.

کاهش بودجه های پژوهشی و آموزشی نیز مانع از اجرای پروژه های بزرگ و کیفی در این حوزه شده است و کاهش همکاری های بین المللی نیز صدماتی را به این بخش وارد کرده است.

بودجه کلی این وزارتخانه برای سال ۱۴۰۱ کمی بیش از ۲۰۰۰ میلیارد تومان پیش بینی شده است که حتی در صورت تحقق، اصلاً برای این طیف وسیع از مسئولیت های محوله کافی نیست.

در نهایت می بینیم که هنوز کارنامه مثبت و مؤثری در این بخش از سوی دولت ابراهیم رئیسی و عزت الله ضرغامی دیده نشده است و دستاوردهای موجود نیز ناشی از پایان یافتن شرایط بحرانی ناشی از کرونا است. گرچه نباید از نقش مؤثر دولت در واکسیناسیون عمومی که اثرات آن در این بخش بسیار محسوس است غافل شد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

نگاهی به پیشینه و گذشته حادثه

۲۸ مرداد ۱۳۳۲

علی صابری

انتخابات مجلس هفدهم، از آخر سال قبل شهر به شهر بر گزار می شد و با وجود تلاش دولت مصدق برای برگزاری انتخابات آزاد اما دخالت هادر نتیجه آرا هم زیاد بود و با رسیدن زمان جلسات دادگاه لاهه، دولت مصدق ترجیح داد انتخابات رو نیمه تمام بگذارد چرا که نگران بودند که در نبود مصدق این دخالت ها بیشتر بشود و باعث بشود که مجلسی غیر خواسته عموم مردم شکل بگیرد و این گونه از بین ۱۳۵ نماینده فقط ۸۱ نفر انتخاب شدند و بنا بود انتخابات بعد از اتمام دادگاه لاهه ادامه یابد و نمایندگان بقیه شهر ها هم انتخاب شوند و عده ای که متأسفانه فراموش شد و تبدیل شده به پاشنه آشیل دولت مصدق، از میان ۸۱ نماینده انتخابی اما فقط ۷۳ نفر آن هادر جلسه افتتاحیه مجلس حاضر شدند و البته که از اردیبهشت تا مرداد ماه درگیر بررسی اعتبار نامه ها بودند، اما در جلسه ده تیر ۱۳۳۱، برخلاف انتظار مصدق، حسن امامی به عنوان رئیس مجلس انتخاب شد!

مصدق بعد از انتخاب رئیس مجلس در ۱۵ تیر ۱۳۳۱ از پست نخست وزیری استعفا داد و از مجلس خواست در مورد نخست وزیر آینده تصمیم بگیرد اما در همین روز مجلس مجدداً به نخست وزیر مصدق رأی اعتماد داد و مصدق مأمور تشکیل کابینه شد، اگر چه طبق قانون نیاز نبود که کابینه با شاه هماهنگ بشود اما بر اساس عرف زمان مصدق در ۲۵ تیر ماه لیست کابینه انتخابی رو به شاه اعلام می کند، در این لیست نام خود مصدق به عنوان وزیر جنگ عنوان شده بود، انتخابی که چندان به مذاق شاه خوش نیامد. مصدق می خواست با این انتخاب نفوذ خود را در ارتش گسترش بدهد و مانع از اقدامات ارتش علیه دولت خود بشود اما شاه که انتخاب وزیر جنگ رو حق خودش می دانست با این تصمیم مصدق مخالفت می کند و

مدت هاست که جامعه ایرانی با سؤال و چالشی جدی در خوانش حادثه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مواجه شده است، برخی جریانات سیاسی و عموماً سلطنت طلب با طرح برخی موارد همچون عدم امکان کودتا توسط بالادست (شاه) علیه پایین دست (مصدق) و یا حق قانونی شاه برای خلع مصدق در صورت انحلال مجلس مدعی این هستند که ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ قیام ملت و مردم علیه مصدق و در حمایت از شاه بوده است، خوانشی از تاریخ که البته قبل از انقلاب ۱۳۵۷ هم مطرح بود و با وقوع انقلاب به دست فراموشی سپرده شده بود.

برای درک بهتر تاریخ می بایست سیر حوادث و وقایع را خواند و با تاریخ گام به گام جلو آمد تا بتوان به درک درستی از آن رسید، لذا در این نوشتار سعی می کنم به صورت مختصر نگاهی به پیشینه و گذشته حادثه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بی اندازم. برای پرهیز از زیاده گوئی، این خوانش را از ۲ تیر ۱۳۳۱ که یکی از مهم ترین نقاط عطف نهضت ملی کردن صنعت نفت بود آغاز می کنم.

در ۲ تیر ۱۳۳۱ مصدق در آخرین جلسه دادگاه لاهه تقریباً موفق شده بود انگلیسی ها رو شکست بدهد و با اطمینان از اینکه ملی کردن صنعت نفت گام بلندی دیگر برداشته است، ۳ تیر به ایران بر می گردد و مستقیم به دیدار شاه می رود و آمادگی خودش رو برای انصراف از پست نخست وزیر با توجه به پیروزی در دادگاه لاهه و تشکیل مجلس هفدهم اعلام می کند! در همین روزها اختلاف بر سر انتخاب رئیس مجلس هفدهم به اوج خود رسیده بود سید حسن امامی، امام جمعه تهران، مورد حمایت دربار بود و سید ابوالقاسم کاشانی مورد حمایت اعضای جبهه ملی.





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱



تصمیم دولت مبنی بر قطع رابطه با انگلیس رو اعلام می کند اما با میانجیگری هندرسون در ۲۶ مهرماه قطع رابطه سیاسی ایران و انگلیس تعویق می گردد اما با تداوم بی نتیجه ماندن مذاکرات در ۳۰ مهر ۱۳۳۱ قطع رابطه سیاسی ایران و انگلیس رسماً اعلام می گردد. در ۲ آبان ۱۳۳۱ وزارت دفاع آمریکا در نامه ای به وزارت خارجه این کشور بر لزوم نجات ایران از افتادن به دامان کمونیسم تأکید می کند و زمینه عملیات آژاکس ایجاد می گردد.

در داخل ایران اما در ۱۸ دی ماه تقاضای مصدق برای تمدید اختیارات ویژه برای یک سال دیگر باعث بروز تنش و اختلاف بین برخی اعضای جبهه ملی، کاشانی، مکی، بقایی با مصدق می شود و او را متهم به دیکتاتوری و سوءاستفاده از قدرت می کنند با این وجود در ۲۹ دی لایحه اختیارات ویژه به رأی از ۶۷ نماینده مجلس تصویب می شود. در ۳۰ دی کاشانی در نامه ای به مصدق از او می خواهد با صرف نظر از لایحه اختیارات ویژه به حقوق عامه تجاوز نکند، مصدق در ۲ بهمن در سخنرانی رادیویی با اعلام اینکه قصد تجاوز به حقوق عامه رو ندارد، از دوستان قدیم خود گله کرد. این چالش اما در ۷ بهمن با اعلامیه مشترک کاشانی و مصدق و تأکید بر ادامه همکاری به ظاهر به پایان رسید.

در ۳۰ بهمن ۱۳۳۱ مصدق در پیامی به شاه اعلام کرد که در صورت تداوم روش خصمانه دربار و شاه درباره دولت، او از سمت نخست وزیر استعفا خواهد داد. ۱ اسفند ۱۳۳۱ دکتر معظمی از اعضای ارشد جبهه ملی با شاه ملاقات می کند و درخواست تأمین نظر مصدق را به شاه می دهد. از سوی دیگر در ۲ اسفند ملاقات علاءوزیر دربار با مصدق برگزار می شود و در این دیدار مصدق فهرستی از منازعات دربار و شاه در امور دولت را به او می دهد و از سوی حسین علا پیشنهاد ترک کشور توسط شاه تا سامان یافتن کار نفت بیان می شود. حسین علا پس از این دیدار به کاشانی هم دیدار دارد.

چند روز بعد و در ۵ اسفند حسین مکی از اعضای سابق جبهه ملی از حسین علا

همین باعث می شد که مصدق برای بار دوم استعفا بدهد!

شاه هم انگار که منتظر این استعفا بوده، احمد قوام رو در ۲۶ مرداد ۱۳۳۲ به مجلس معرفی می کند و مجلس هم رأی به نخست وزیر قوام السلطنه می دهد تا برای پنجمین بار حضرت اشرف احمد قوام السلطنه نخست وزیر ایران بشود. قوام در دوره چهارم نخست وزیر موفق شده بود غائله آذربایجان و پیشه‌وری رو تمام کند و یکی از چالش‌های اساسی محمدرضا شاه جوان رو پایان بدهد، هر چند که بعد از پایان دوره چهارم نخست وزیر اش بین او و شاه اختلافاتی به وجود آمد و سبب شد که لقب حضرت اشرف او که در انگلیس بود، گرفته شود.

۲۷ تیرماه قوام اعلامیه تندی داد با این تیتیر که «کشتیان را سیاستی دیگر آمده است» ۲۸ تیرماه هندرسون، سفیر وقت آمریکا با قوام دیدار می کند و قول کمک مالی آمریکا به قوام رو می دهد! تو همین روز دیدار نمایندگان جبهه ملی با شاه برای برکناری قوام بدون نتیجه ماند و اعتراض نمایندگان هوادار مصدق به شاه مؤثر نشد. پس از این دیدار و در ۲۹ تیرماه ۱۳۳۱، ابوالقاسم کاشانی در بیانیه ای مردم رو برای بازگشت دولت مصدق به قیام دعوت می کند و این گونه قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ شکل می گیرد و در نتیجه آن، حضرت اشرف مجبور به استعفا می شود و توهمین روز، دکتر مصدق توسط مجلس به عنوان نخست وزیر. آیه الله کاشانی به عنوان رئیس مجلس انتخاب می شود. در ۵ مردادماه ۱۳۳۱ کابینه جدید به مجلس شورای ملی معرفی می شود کابینه ای که برخی اعضای آن مورد پذیرش و تأیید کاشانی نیست و همین زمینه ساز برخی اختلافات بعدی می شود. با توجه به برخی و جهت تسریع در روند اجرایی کشور در ۱۲ مرداد ۱۳۳۱ ماده واحده اختیارات شش ماهه دکتر مصدق در مجلس شورای ملی به تصویب می رسد.

طی ماه‌های مرداد، شهریور و مهر ۱۳۳۱ چندین دور مذاکرات بین ایران، آمریکا و انگلیس بر سر مسئله نفت برگزار می شود که عمده اختلافات بر سر میزان غرامت، بها و مدیریت عملیات بود، مصدق بعد از بی نتیجه بودن مذاکرات در ۲۴ مهرماه

خواست مانع مصالحه شاه و مصدق شود اما در ۶ اسفند شاه با مصدق ملاقات می کند و برنامه سفر شاه به خارج از کشور در ۹ اسفند به او اعلام می گردد؛ اما در صبح ۹ اسفند ۱۳۳۱، تظاهراتی مقابل کاخ شاه در حمایت از شاه و مخالفت با این سفر بر گزاری می شود و تا ظهر بر تعداد تظاهر کنندگان افزوده می گردد و در همین زمان سر لشکر بهار مست در ملاقات با شاه، مخالفت سران ارتش با سفر شاه را بیان می کند.

تا عصر با بیشتر شدن مخالفین سفر شاه، آن ها به خانه مصدق حمله می کنند، آن قدر این حمله غیر منتظره بود که باعث فرار مصدق با پیژامه به خانه مجاور و رفتن به ستاد ارتش می گردد. گفته می شود کاشانی نقشی پررنگ در سازمان دهی مخالفین سفر شاه داشت؛ با منتفی شدن سفر شاه به خارج از کشور در ۱۴ اسفند، کمیته هشت نفره حل اختلاف برای رفع اختلاف دربار و دولت تشکیل شد، اما شدت این اختلافات باعث شد که در مراسم سلام نوروزی شاه در روز اول فروردین ۱۳۳۲ مصدق غایب این مراسم باشد.

در هفتم فروردین حسین علاز طرف شاه با سر لشکر زاهدی ملاقات می کند و زاهدی در این دیدار مشروط به درخواست شاه و حمایت او برای پذیرش پست نخست وزیری اعلام آمادگی می کند، دو روز بعد حسین علا به دیدار آیه الله بروجردی، مرجع وقت می رود و سعی می کند نظر موافق او را برای نخست وزیری زاهدی جلب نماید. مصدق برای کاستن چالش های میان خود و دربار در ۱۷ فروردین، در پیام رادیویی با اعلام وفاداری به شاه و اطاعت از قانون اساسی گفت

۱۳ اردیبهشت، ارتش زاهدی از سوی باز پرس نظامی به اتهام قتل سر لشکر افشار طوس احضار گردید، اما او همراه با مصطفی کاشانی، شمس قنات آبادی و مظفر بقایی به مجلس رفت و در آنجا متحصن شد. ۱۵ اردیبهشت ماه کاشانی، رئیس مجلس با زاهدی دیدار کرد و دستور پذیرایی از او تا هر وقت که در مجلس بماند را داد.

۲۴ اردیبهشت وزیر دادگستری درخواست سلب مصونیت پارلمانی مظفر بقایی رو برای تکمیل تحقیقات مطرح کرد. بقایی، دبیر کل حزب زحمتکشان که روز گاری همراه مصدق بود هیچ گاه این اتهام رو نپذیرفت و حتی سال ها بعد مدعی اختلاف بین افشار طوس و مصدق و خواست او برای استعفا شد.

با شدت گرفتن اختلاف بین مصدق و کاشانی در ۱۰ تیر ۱۳۳۲ در رأی گیری برای ریاست مجلس، دکتر معظمی، مورد حمایت مصدق بر کاشانی پیروز شد و سومین رئیس مجلس هفدهم شد. بعد از این رأی گیری، علی زهری، نماینده مجلس و نفر دوم حزب زحمتکشان ایران، دولت مصدق رو متهم به شکنجه و آزار متهمان قتل سر لشکر افشار طوس برای اخذ اعتراف علیه مظفر بقایی و سایرین درخواست استیضاح دولت مصدق رو مطرح کرد. ۱۵ تیر کاشانی طی بیانیهای مصدق را صیاد آزادی ایران خواند و مدعی شد که او می خواهد ایران را بر خلاف اصول قانون اساسی به سمت حکومت استبدادی ببرد!

۱۷ تیر ماه با وجود تأکید دولت بر محرمانه بودن تبادل نامه میان روسای دولت ایران و آمریکا، نامه ها توسط خبر گزاری آسوشیتد پرس منتشر شد، آیزنهاور حدود



یک هفته قبل در آخرین نامه امکان کمک آمریکا به ایران رو به علت عدم توافق ایران و انگلیس منتفی دانسته بود.

۲۰ تیر ماه حسینی و تقوی از رهبران جبهه ملی در ملاقات با مصدق بار فراندوم انحلال مجلس مخالفت کردند. ۲۳ تیر ماه جلسه استیضاح مصدق به علت آبستراکسیون نمایندگان حامی مصدق به نتیجه نرسید و نمایندگان فراکسیون نهضت ملی در خانه مصدق تشکیل جلسه دادند و با تأکید مصدق بر انحلال مجلس، استعفای دسته جمعی نمایندگان این فراکسیون تصویب شد تا در ۲۵ تیر تعداد نمایندگان مستعفی به ۵۲ نماینده برسد و مجلس عملاً از حدنصاب خود خارج شود. سایر نمایندگان مجلس در همین روز به دیدار با مصدق می روند و در عوض کنار گذاشته شدن انحلال مجلس توسط دولت، پیشنهاد کردند طرح استیضاح علی زهری مسترد شود و گزارش هیئت ۸ نفره تصویب شود، پیشنهادی که از سوی مصدق رد شد. مظفر بقایی و علی زهری در همین روز در مجلس به اعتراض بست نشستند.

۲۸ تیر ماه کرملیت روز ولت، فرمانده عملیات آژاکس، از مرز عراق و با گذر نامه

سفر شاه تصمیم شخصی او بوده و او دخالتی در این تصمیم نداشته است. ۱۹ فروردین، علا در مصاحبه مطبوعاتی سفر شاه رو پیشنهاد مصدق توسط سه نفر از نمایندگان فراکسیون نهضت ملی اعلام کرد تا در ۲۰ فروردین فراکسیون نهضت ملی اظهارات علارود کند. طی چند روز بعد کشور در گیر نزاع هایی میان هواداران و مخالفان مصدق بود آن چنانکه در ۲۶ فروردین، در شیراز سخنرانی کریم پور شیرازی، روز نامه نگار هوادار مصدق توسط هواداران آیه الله سید نورالدین شیرازی به هم خورد و مرکز حزب ایران و اداره اصل چهار تخریب شد. پور شیرازی در اسفند ۱۳۳۲ پس از تحمل ماه ها شکنجه و انفردادی کشته شد، در مورد مرگ او شایعات زیادی گفته می شه از جمله آتش زدن او

۳۱ فروردین ۱۳۳۱ رئیس شهر بانی، سر لشکر افشار طوس مقفود شد، او نقشی مهم در حفاظت از جان مصدق در نا آرامی های روز نهم اسفند داشت، جستجو برای یافتن او منجر به بازداشت حسین خطیبی و برخی افسر های ارتش همچون سر تیپ متزه و سر تیپ مزینی گردید و آن ها در اعترافات خود از مظفر بقایی و سر لشکر زاهدی به عنوان آمران قتل سر لشکر افشار طوس یاد کردند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

● فاطمی، سخنگوی دولت نامه‌های ابوالقاسم امینی کفیل وزارت دربار رو منتشر می‌کند، امینی با اعلام بی‌اطلاعی از کودتا، آن را زیر سر شاه و دفتر مخصوص و گارد معرفی کرد.

● سفر اردشیر زاهدی و عباس فرزنگان برای سازمان‌دهی نیروهای هوادار شاه
● بهت و سرگردانی شاه در بغداد و سفر به ایتالیا و عدم استقبال از طرف سفارت ایران

۲۷ مرداد ۱۳۳۲

● جلسه سران نهضت ملی در خانه مصدق برای تعیین رژیم قطعی کشور و توافق برای مراجعه به آرای عمومی، مستعفی شناختن شاه و تشکیل شورای سلطنت

● ادامه زدوخورد ها و حمله هواداران مصدق به مراکز مخالفان او و اعلام حکومت نظامی در تهران

● ملاقات مصدق با هندرسون و تأکید بر عدم محق بودن شاه برای عزل او و مقاومت تا آخرین لحظه و ابراز نگرانی هندرسون از تعرض به اتباع آمریکایی در ایران

۲۸ مرداد ۱۳۳۲

● فرمان مصدق به دکتر صدیقی، وزیر کشور برای آمادگی مراجعه به آرا عمومی برای نوع حکومت

● به دستور مصدق، محمد متین دفتری به عنوان رئیس شهر بانی انتخاب شد (او متهم به خیانت به مصدق و همراهی با کودتاچیان شد)

● از بامداد در گوشه و کنار تهران، تظاهراتی به نفع شاه و بر ضد دولت مصدق شروع شد، تظاهرات عموماً از مناطق حاشیه‌ای و جنوب تهران شکل گرفته بود.

● مقارن ظهر عده‌ای با همراهی اوباش به شهرداری، تلگراف‌خانه و برخی ادارات دولتی حمله بردند و آن‌ها را تصرف کردند.

● از دو خور دین موافقان و مخالفان مصدق و شاه شدت گرفت و نظامیان نیز به نفع طرفداران شاه وارد عمل شدند

● محل حزب ایران و جبهه آزادی و روز نامه‌های کشور به سوی آینده، باختر امروز، شورش، نیروی سوم و چپاول و غارت شد.

● بعد از ظهر اداره رادیو به دست کودتاچیان افتاد و سقوط دولت مصدق از رادیو اعلام شد

● اواخر روز خانه دکتر مصدق توسط اوباش غارت و آتش زده شد
مصدق روز بعد به فرمانداری نظامی تهران رفت و خود را معرفی کرد و محمدرضا شاه در روز اول شهریور از رم به تهران بازگشت.

حال با خوانش این وقایع می‌توان به درک بهتری از ماهیت آنچه در ۲۸ مرداد اتفاق افتاده است دست یافت و گرفتار برخی تاریخ‌سازی‌های جعلی نشد.



جعلی وارد ایران شد، همین روز اعلام شد ۵۳ آمریکایی که در سفارت با اصل چهار ترومن خدمت می‌کردند ایران رو ترک کردند! اصل چهار ترومن برنامه کمک آمریکابه کشورهای جهان سوم برای جلوگیری از گسترش کمونیسم بود.

دولت مصدق که مصمم بر برگزاری رفراندوم بود در ۳ مرداد روش اجرای رفراندوم را به تصویب رساند و در ۵ مرداد مصدق در پیامی به مردم درباره ابقا یا انحلال مجلس چاره جویی کرد. کاشانی در همین روز در اعلامیه‌ای در مخالفت با رفراندوم انحلال مجلس، مصدق رو به خود محوری و سوء استفاده از نهضت ملی برای هموار کردن راه دیکتاتوری متهم کرد. ۶ مرداد حسین مکی از عصبانیت و نارضایتی مصدق از انتخاب او به عنوان ناظر بانک ملی به علت تخلفات احتمالی و نگرانی بر ملا شدن آن هاسخن گفت.

۶ مرداد دالس وزیر خارجه آمریکا در یک مصاحبه مطبوعاتی فعالیت‌های حزب توده در ایران را مانع اعطای کمک به ایران معرفی کرد.

آیه الله بهبهانی در نامه‌ای در ۱۱ مرداد ۱۳۳۲ خطاب به مصدق، انجام رفراندوم رو باعث متزلزل شدن اساس مشروطیت و ضعف مجلس خواند. باین وجود در ۱۲ مرداد رفراندوم انحلال مجلس در تهران و در ۱۹ مرداد در شهرستان‌ها صورت گرفت با این سؤال که: ”اگر با این دولت و نقشه و هدف آن موافق هستی رأی به انحلال مجلس بدهی تا مجلس دیگری تشکیل شود که بتواند در راه تأمین آمال ملت با دولت همکاری کند و اگر با ادامه وضع کنونی مجلس موافقت تا دوره هفدهم سپری شود دولت دیگری روی کار بیاید که با این مجلس همکاری کند رأی مخالف به انحلال مجلس بدهی.“

در ۲۰ مرداد ۱۳۳۲ نتایج رفراندوم اعلام شد و انحلال مجلس و ابقای دولت مصدق رأی آورد. دقت کنید که فقط انحلال مجلس رأی نیاورده بلکه ابقای دولت مصدق هم به تصویب مردم رسیده بود. هم‌زمان با برگزاری رفراندوم انحلال مجلس، شاه و ملکه تریا در ۱۸ مرداد ۱۳۳۲ برای استراحت راهی شمال کشور شدند و تهران را ترک کردند، در روزهای بعد و با اعلام نتایج رفراندوم، اصرار مصدق برای توشیح فرمان انحلال مجلس و صدور دستور برگزاری انتخابات مجلس هجدهم بی‌نتیجه ماند.

روز ۲۴ مرداد شب هنگام، حسین فاطمی، مهندس زیرک زاده و مهندس حق شناس بازداشت شدند و یک ساعت پس از نیمه شب ۲۵ مرداد، سرهنگ نصیری فرمانده گارد شاهنشاهی فرمان عزل مصدق و انتخاب سرلشکر زاهدی را به مصدق ابلاغ کرد، فرمان عزل و نصبی که در ۲۲ مرداد امضا شده بود و نه از طریق مرسوم که وزیر دربار و در ساعت اداری که در نیمه شب و توسط فرمانده گارد ابلاغ شده بود.

حوادث روزهای بعد را تیتروار مرور می‌کنیم:

۲۵ مرداد ۱۳۳۲

اعلامیه دولت مبنی بر وقوع کودتا و خنثی شدن آن

● شاه و ملکه تریا با هواپیمای اختصاصی به بغداد گریختند

● صدور دستور انحلال مجلس توسط دکتر مصدق

● سر مقاله باختر امروز به قلم حسین فاطمی دربار شاه رو قبله گاه هر چه دزد، بی‌ناموس و تنها تکیه گاه خارجی‌ان معرفی کرد.

● تظاهرات هواداران دکتر مصدق در تهران، سخنرانی تند دکتر فاطمی در میدان بهارستان

● طرح شعار جمهوری دموکراتیک توسط هواداران حزب توده

● انتقال زاهدی توسط روزولت به یک خانه امن و انجام مصاحبه مطبوعاتی او
با خبر نگاران آسوشیتد پرس و نیویورک تایمز و انتشار عمومی فرمان نخست‌وزیری او به امضای شاه

۲۶ مرداد ۱۳۳۲

● مجسمه‌های شاه در تهران و برخی شهرها پایین کشیده می‌شود



گزارش



پرستار، کارمند نیست

تهیه: زهرا کرد



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

در شرایط بحرانی نیازهای شخصی اعم از خوردن، دستشویی رفتن و خوابیدنشان نیز از اولویت ساقط شده و نیروهای مافوق نیز چنین حقی را برای پرستار قائل نیستند؛ و این یکی از دلایلی است که سبب شده پرستاران را، کارمندان حاضر اما بعضاً غایب ادارات در نظر بگیریم. با توجه به ماهیت کاری پرستاران و نوع خاص ارباب رجوع آنها که همگی مستأصل و نیازمند توجهات بالینی، تخصصی و انسان دوستانه هستند، این مهم در نظر قانون گذار نیامده و حقیقتاً نامیدن پرستار تحت عنوان ”کارمند“ فروگذار کردن تلاش های غیرقابل محاسبه این قشر است. حقیقتاً توجه به تفاوت ارباب رجوع و ماهیت خدمات از جمله موارد حائز اهمیت است که همواره از دید دولت و مردم مغفول مانده است و این غفلت از جانب دولت بر مجربانش پسندیده نیست. یکی از محسنات غیرقابل کتمان زندگی کارمندی، امنیت شغلی

و ثبات در دریافتی است. موضوعی که پس از کرونا در وضعیت شغلی پرستاران به شدت دستخوش تغییر شد و شاهد رده های شغلی و قراردادهای کاری ظالمانه با پرستاران بودیم. رده هایی چون ۸۹ روزه، شرکتی، تمدید طرح و طرح کووید که همگی در جهت مسکن مقطعی شرایط بحران بود و این روزها پس از فروکش کردن موج مرگ و میر پاندمی، نیروهای مذکور مورد تعدیل دولت قرار گرفته و خانه نشین شدند؛

آن هم در شرایطی که کماکان نسبت پرستار به تخت در ایران با استانداردهای جهانی فاصله نوری دارد!

این روزها که کشور علاوه بر شرایط غیرقابل پیش بینی اش، هر فصل دستخوش بحران های موسمی اعم از گردوغبار، آلودگی هوا، افزایش دمای زمین، برودت های غیرقابل کنترل، وقوع سیل و اخیراً پاندمی کرونا بود، سایر کارمندان با حفظ حقوق در معیت خانواده هایشان از ارائه خدمت معاف بودند و یا امکان دور کاری داشتند، اما پرستاران با حقوق قبلی، در شرایطی جدید و سخت تر از پیش به ارائه خدمت مشغول بوده و هم زمان باید به وظایف خانه و خانواده نیز رسیدگی می کردند. پس پر بیراه نیست که پرستاران را کارمند ندانیم.

هرساله ۴ شهریور را روز کارمند می نامند. روزی برای قدردانی از مجربان دولت! یکی از بزرگ ترین و تأثیر گذارترین مجربان پرستاران هستند. انسان هایی که به واسطه ماهیت حیاتی و انسانی شغلشان پیش از اینکه کارمند نام گذاری شوند، با عناوینی چون فرشته و ایثارگر در ادبیات عموم جامعه نام برده می شوند؛ اما فارغ از نگاه احساسی و انسانی به جامعه عظیم پرستاران، می توان گفت این طیف از کارمندان بنا به دلایلی در قاموس تعریف ”کارمند“ نمی گنجند؛ اما مواجهه دولت و حکومت با آنها مواجهه کارمند گونه است. بی توجهی عمدی یا سهوی به چگونگی اجرای قوانین سختی کار نظیر بازنشستگی پیش از موعد، مرخصی زایمان و استعلاجی، قوانین بهره وری، تعرفه گذاری خدمات پرستاری در محیط های بالینی دانشگاهی، تأمین اجتماعی و خصوصی سبب شده این محیط کاری پرتنش و متفاوت، تبدیل

به گورستان روح و روان پرستاران گردد. محیطی که فرسایش شغلی آن پس از ده سال سابقه و زودتر از سایر کارمندان بروز پیدا می کند و به دنبال آن رمق از وجود مجربان دولت گرفته و از آنها موجوداتی بی احساس می سازد. از طرفی کمبود همیشگی نیرو معضل قابل حل اما حل نشده برای دولت است که سبب شد در بحران کرونا شاهد فاجعه مشهودی در حوزه مراقبت از بیماران مبتلا به کووید باشیم. فاجعه ای که تاریخ آن

را قضاوت خواهد کرد؛ نبود تناسب منطقی میان تعداد پرستار و بیمار، در کنار مشکلات پرشمار دوران همه گیری کووید سبب از دست رفتن جان های بسیاری شد که از آنها فقط آمار چندرقمی شان به بیرون درز پیدا کرد؛ و این تأثیر مستقیم کارمند بر زندگی ارباب رجوع را در کدام نوع از مشاغل که عنوان کارمند دارند، می توان دید؟

مقایسه نابخردانه حقوق با تحصیلات در این حوزه با سایر مشاغل، دلیل دیگری مبنی بر کارمندی نبودن این شغل است. در حالی که در ادارات شاهد ساعت کاری مصوب در ساعات متعارف روز بدون اضافه کاری اجباری هستیم و کارمندان حتی زمان های مقتضی جهت انجام امور شخصی دارند، پرستاران نه تنها چنین وقتی را ندارند که



حکایت مسکن در ایران (بخش دوم)

از ابتدای قرن پیش و با گسترش شهرنشینی در ایران مسئله مسکن به یکی از مسائل و چالش های عمده در ایران تبدیل شد. دولتهای مختلف به شیوه های مختلف با این مسئله برخورد کردند. بعضی از آنها موفق بودند ولی اکثریت آنها در حل این مسئله ناموفق بودند. این گزارش به این بحث میپردازد و تلاش میکند زوایای مختلف آنرا باز کند. این داستان برگرفته از استوری های علی صابری است.



برخلاف کوی نه آبان، کوی فرح به صورت خانه های چند طبقه ساخته شد و در سالهای بعد برج های ۱۵ طبقه نیز در آن ساخته شد.



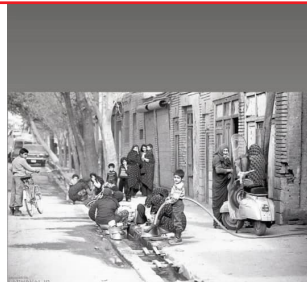
موقعیت کوی نه آبان در آن زمان این گونه بود و ساکنین کوی که قبلا در زاغه های نزدیک مناطق مرفه نشین زندگی می کردند و از کمک های نقدی و جنسی همسایه های مرفه خود نظیر غذا و پوشاک بهره می بردند و البته در خانه های آنها به شغل هایی مانند مستخدمی، باغبانی، رختشویی و ... مشغول بودند حال برای رفتن به سر کار خود با توجه به کمبود وسایل نقلیه و مسافت طولانی تر دچار مشکل شدند!



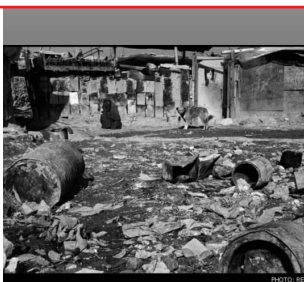
تقریباً همزمان با کوی نه آبان، کوی فرح توسط بانک رهنی بین سالهای ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۵ ساخته شد و به پرسنل نیروی زمینی و ارتش واگذار شد، بهای واحدهای این کوی بین ۲۶ هزار تا ۱۲۴ هزار تومان بود (حداقل چهار برابر کوی نه آبان) که یک سوم آن نقد و الباقی در اقساط ۱۵ ساله می بایست پرداخت می شد



تقریباً تنها سیاست دولت ها در مواجهه با این زاغه نشینی ها، تخریب و از بین بردن آنها بود، خصوصاً با اصلاح قانون شهرداری ها در سال ۱۳۳۵، ماده ۹۹ محدوده خدماتی و استحفاظی شهرها تعیین شد و طبق ماده صد شهرداری ها مجاز به تخریب ساختمان های بدون پروانه شدند!



هفته گذشته داستان مسکن رو تا دهه چهل مرور کردیم و تاثیر اصلاحات ارضی رو بر سیر مهاجرت به شهرها و گسترش شهرنشینی گفتیم!



خطای بزرگ برنامه ریزان دهه چهل ایران در این تجربه هم تکرار شد و توسعه امرانه و از بالا به پایین اگرچه خانه های خوبی ساخت اما به علت عدم جلب مشارکت اجتماعی و ماشینی دیدن زاغه نشینان باعث شکست این پروژه بزرگ با هزینه های گزاف آن شد!

برخورد با زاغه نشینان پس از این تجربه با شدت بیشتری همراه شد به ویژه که برخی از آنها قبلاً با حمایت دولت خانه دار شده بودند و حال دوباره زاغه نشین شده بودند!



همانطور که گفته شد، خطاهای اصلاحات ارضی و البته رشد صنایع تازه تأسیس و گسترش کارخانه ها عامل اصلی افزایش جمعیت شهرهای بزرگ و به ویژه تهران شد!

مهاجرینی که در آرزوی شغل و کاری آبرومند روستا و شهر خود را ترک کرده بودند!





هدف از جابه‌جایی زاغه‌نشینان، حذف هزینه مسکن از سبد هزینه آنها و کمک به توانمندی آنها بود اما عدم توجه به ابعاد انسانی این جابه‌جایی و تک بعدی دیدن مسئله باعث شد که این پروژه با شکست مواجه شود و در دهه پنجاه حدود هفتاد درصد ساکنان اولیه خانه های خود را فروخته یا اجاره داده باشند.

در حقیقت با رشد قیمت خانه ها و درآمد اندک مالکین اولیه با فروش واحدهای خود دوباره به زاغه‌نشینی روی آورده بودند!



اما در برنامه سوم عمرانی کشور برای مشکل زاغه‌نشینی راه حل احداث خانه های ارزان قیمت پیشنهاد شد و بر اساس همین برنامه، کوی نهم آبان احداث شد. اواخر سال ۱۳۴۳ ساخت این کوی در دستور کار وزارت آبادانی و مسکن قرار گرفت و خیلی زود نقشه های آن تهیه و ساخت آن از ۱۸ فروردین ۱۳۴۴ آغاز شد!



این مهاجرین ناکام در یافتن شغلی مناسب مجبور شدند که در زمین های اطراف تهران با استفاده از وسایلی همچون حلبی، لاستیک های فرسوده، چوب، گل، حصیر و... خانه های محقری را برای خود بسازند و این گونه حلبی آبادی های اطراف تهران گسترش یافتند!

زمین هایی که کاربری کشاورزی داشتند و یا توسط ارگان های دولتی تملک و رها شده بودند، تبدیل به مراکز زاغه‌نشینی شد.



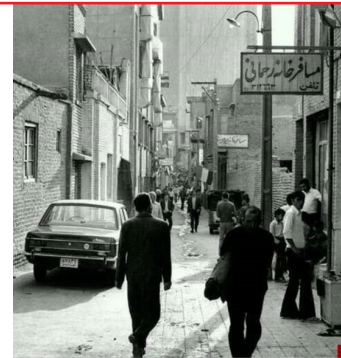
بعد انقلاب و با انحلال گارد شاهنشاهی پروژه به نیروی زمینی ارتش منتقل شد و با عنوان شهرک امید در سال ۱۳۶۸ افتتاح شد.



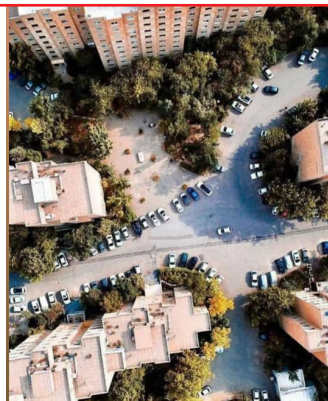
طی این سالها تقریباً در همه شهرهای ایران این روند کوی سازی ادامه داشته و همانند تهران اما با فاصله زمانی روند ساخت کوی های تک واحده و چند طبقه و سپس آپارتمان های مرتفع انجام شده است.

تقریباً در دهه پنجاه و سالهای اوایلین دوره پهلوی شاهد ساخت آپارتمان های مرتفع در شهرهای مختلف کشور هستیم

به عنوان مثال در اراک، شهر صنعتی اراک برای اسکان کارگران کارخانه‌های اراک در دهه پنجاه ساخته شد و تقریباً همان روند تهران در اینجا نیز تکرار شد.



اما همه این مهاجرین کار با درآمد مناسب برای امرار معاش و تهیه سرپناه پیدا نکردند و مجبور شدند تن به هر نوع سکونت در محلات فقیرنشین این شهرها به ویژه تهران بدهند و اسکان غیررسمی و زاغه نشینی تبدیل به روش سکونت بخش های زیادی از افراد کم درآمد، فقرا و لشکر بیکاران گردید.



سال ۱۳۵۰، بانک رهنی طرح ساخت شهرک آبادانا را به یک شرکت فرانسوی واگذار کرد تا در قالب یازده بلوک مسکونی که هر بلوک بین پنج تا ۱۱ طبقه داشت، ۲۹۰۰ واحد مسکونی ساخته بشود.



سال ۱۳۵۴ توسط یک شرکت فرانسوی شهرک فرحناز در حاشیه جنگل لویزان برای اسکان پرسنل گارد شاهنشاهی طراحی گردید، شهرکی با ۱۸ برج و نزدیک به دوهزار واحد مسکونی

اسم شهرک، بر اساس نام فرحناز دختر محمدرضا شاه بود که در تیرماه ۱۳۵۷ او را در بازدید از پروژه همراهی می کرد.



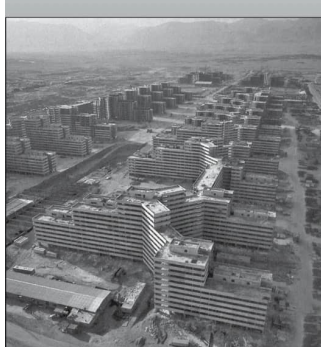
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

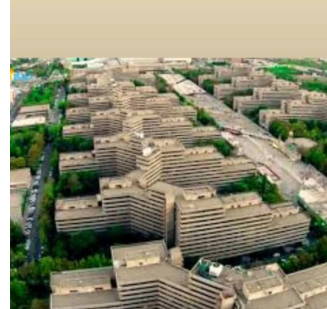
۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱



سال ۱۳۴۸ ساخت سه برج های آ.اس.پ در ۲۳ طبقه در محدوده ونک آغاز شد، پروژه پنج سال بعد به پایان رسید و سال ۱۳۵۴ افتتاح شد.



از اواخر دهه چهل، برج سازی مسکونی به تدریج وارد مرحله جدیدی شد، و شهرک های بلند مرتبه ساخته شد. شهرک اکباتان، شهرک آپادانا و شهرک فرحناز و آپارتمان های مرتفع در شهرهای مختلف ایران



بعد انقلاب این پروژه مصادره و با رفتن شرکت آمریکایی و حذف برخی بخش های رفاهی و اقتصادی آن تا سال ۱۳۷۰ آپارتمان های آن اجرا شد.

قصه ساخت و جفاهای رفته بر گلزاری خود قصه پرغصه دیگری است!



سال ۱۳۴۸ ساخت برج های دوقلوی سامان با ۲۲ طبقه و با طراحی عبدالعزیز فرمانفرمایان در حاشیه بلوار الیزابت (کشاوری) آغاز شد.

شرکت فرانسوی سازنده در ساخت آن از قطعات پیش ساخته استفاده کرد و تقریباً هر ده روز یک طبقه آن به اتمام رسید. (کل پروژه در ۲۱۰ روز)



سه برج اسکان در سال ۱۳۵۱ با ۲۳ طبقه مسکونی و چهار طبقه تجاری در حاشیه خیابان میرداماد آغاز شد و تا سال ۱۳۵۶ ساخت آن ادامه یافت و با ۷۲ متر ارتفاع تا دهه هفتاد عنوان بلندترین ساختمان تهران را داشت.

شرکت سازنده این برج ها بعد از انقلاب مصادره و در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت.



مرکز مطالعات مدیریت ایران، شعبه دانشگاه هاروارد در تهران سال ۱۳۵۱ دیگر یادگار آمریکایی ها در این منطقه توسط #حبیب لاجوردی و #محمد تقی پرخوردار ساخته شد.

دانشگاهی که بعد از انقلاب و مصادره آن به نام دانشگاه امام صادق شناخته می شود.



این تجارب مرتفع سازی سبب شد، سال ۱۳۴۲، نخستین برج مسکونی تهران، توسط سازمان زمین و مسکن و بانک عمرانی ساخته شود.

برج های مسکونی بهجت آباد

زاغه نشینان بهجت آباد، در همان سال به کوی نه آبان منتقل شده بودند و با هدف جذب طبقه متوسط شهری این برج ها ساخته شد!

حالا شاید بشه بهتر درک کرد چرا برای زاغه نشینان بهجت آباد کوی نه آبان ساخته شد!



همزمان با برج های مسکونی بهجت آباد، آپارتمان های روبروی پارک ساعی نیز ساخته شد، پروژه ای با ۱۳ طبقه برای طبقات مرفه تر آن روزگارا



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱



کوی کن تهران به عنوان پیشگام آپارتمان سازی به عنوان سیاست جدید دولت توسط سازمان خانه سازی ساخته شد تا بخش خصوصی هم به ورود به بخش مسکن ترغیب شود.

این استثنای بودن به گونه ای بود که ساختمانی چهارطبقه، تبدیل به نماد بزرگی و شکوه در مشهد دوره رضاخانی گردد و عبارت چهارطبقه تبدیل به نام محله گردد و حتی پس از آنکه عمر فیزیکی ساختمان در سال ۱۳۵۰، بابت گسترش خیابان های شهر به پایان برسد اما همچنان در خاطره جمعی شهروندان نام چهارطبقه بر آن محله باقی بماند.

اواخر دهه سی، اولین تلاش ها برای ساخت ساختمان های چند طبقه مسکونی در ایران بود و اولین گام ها برای آپارتمان نشینی برداشته شد، هزار دستگاه نازی آباد، کوی کن و کوی شهرآرا و ...



اما در اوایل دهه سی ساختمان خانقاهی به عنوان نخستین ساختمان بلند مرتبه ایران در خیابان جمهوری (شاه آباد) سر بلند کرد.

ساختمانی ده طبقه که پنج متر از شمس العماره (پنج طبقه با سی و پنج متر ارتفاع) بلندتر بود و البته مجهز به آسانسوری ساخته خود #هوشنگ خانقاهی، معمار ساختمان بود



سال ۱۳۳۹ ساخت ساختمان پلاسکو در ۱۴ طبقه با ۴۲ متر ارتفاع آغاز شد، ساختمانی که دو سال بعد افتتاح شد، نخستین آسمان خراش و ساختمان مدین خاورمیانه لقب گرفت

سازنده پلاسکو، #حبيب الفانين، سرمایه گذار یهودی، تقریباً در همان سالها ساختمان دیگری به نام المینیوم را در ۱۴ طبقه ساخت.

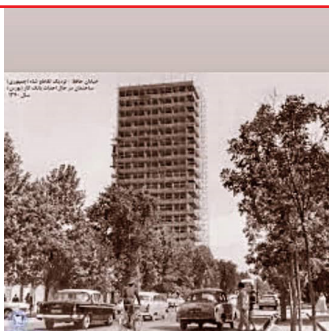


قصه مسکن رو تا دهه چهل گفتم و اینکه چی شد که به تدریج پدیده بحران مسکن شکل گرفت و به تجربه کوی نه آبان تهران برای مقابله با زاغه نشینی پرداختیم.

کوی نه آبان، بعد از انقلاب مثل خیلی چیزهای دیگه تغییر نام داد و با چهار روز افزایش، شد محله سیزده آبان!



تا پیش از دهه چهل، عمده ساختمان ها و عمارت های ایرانی به صورت یک یا دو طبقه بنا می شد و بناهایی همچون عالی قاپو و یا شمس العماره استثنای معماری ایرانی بودند.



بنای ساختمان بانک کار در سال ۱۳۴۲ آغاز شد، ساختمانی که سالها محل بورس ایران بود با ۶۸ متر ارتفاع و ۱۹ طبقه

طراح ساختمان #عبدالعزيز فرمانفرمایان بود و نخستین تجربه او در این زمینه بود!



البته که دولت با اعطای برخی معافیت های مالیاتی برای ساخت آپارتمان های بالای ده طبقه و نیز تصویب قانون تملک آپارتمانها و نیز اجرای دو پروژه، بهجت آباد و ساعی زمینه را برای ورود بخش خصوصی به این حوزه آماده نمود.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

این گزارش در آستانه بستن نشریه آماده شد. باوجوداینکه طبق برنامه ریزی صورت گرفته و مانند همیشه دو گزارش در این شماره داشتیم ولی به علت اهمیت موضوع ترجیح دادیم که در این شماره خلاف عادت عمل کنیم و گزارش های نشریه را به سه برسانیم. امیدواریم که مورد قبول شما عزیزان باشد.

آیا مدیران پیشین حوزه آب شهر همدان مرتکب ترک فعل شده اند دادستان محترم وقوع ترک فعل را بررسی کند

تهیه: حمید سپهری

وظایف قانونی مدیران و اهمال و سهل انگاری در اجرای قانون و عدم اعلام جرائم و تخلفات ارتكابی در حوزه تحت تصدی، موجب مسئولیت قانونی آنان است،

حال شهری که دارای چشمه ها و نه‌رهای مثال زدنی بوده است و در دامنه الوند هزار چشمه قرار گرفته است به دلایل مختلفی از جمله کاهش بارندگی ها و عدم مدیریت صحیح منابع آبی استان از سوی مسئولان مرتبط در حوزه هایی با مصرف آب بسیار همچون کشاورزی و ... و ناتوانی در تأمین آب پایدار با روش های جایگزین باعث شد برای تأمین کمبود آب شرب طرح آب رسانی از سد مخزنی تلوار از جنوب غرب شهرستان زنجان از سال ۱۳۸۳ مدنظر قرار گیرد.

انتقال بین حوضه های آب چالش های اقتصادی محیط زیستی قابل توجهی به همراه دارد

البته بنا بر آنچه کارشناسان امر می گویند انتقال بین حوضه های آب نیز می تواند چالش های اقتصادی محیط زیستی قابل توجهی را در حوزه مبدأ به وجود آورد منجر به هم زدن تعادل زیست بوم و کاهش توان سرزمین شود و مناقشات اجتماعی به همراه داشته باشد.

به گزارش خبرنگار حزب اراده ملت ایران، حمید سپهری - بر اساس دستورالعمل نحوه مقابله با ترک وظایف قانونی مدیران که ۱۲ ماده دارد، سازمان بازرسی کل کشور دیوان عدالت اداری و داستان ها مکلف هستند انجام ندادن وظایف قانونی مدیران و کارمندان را پیگیری کنند و کسانی را که کم کاری شان باعث پایمال شدن حقوق مردم می شوند را تحت پیگرد قرار بدهند.

آیا مدیران پیشین مرتبط به حوزه آب شهر همدان ترک فعل داشته اند؟
در اجرای بندهای دوم و سوم اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیاست های کلی نظام، قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور با اصلاحات و الحاقات بعدی و وظیفه قانونی قوه قضاییه در حفظ حقوق عامه و نظارت بر حسن اجرای قوانین و با توجه به احکام مقرر در مواد ۹۰، ۹۱ و ۹۲ قانون مدیریت خدمات کشوری، مصوب ۱۳۸۶ که مدیران و سرپرستان بلا فصل در دستگاه های اجرایی را مسئول نظارت، کنترل و حفظ روابط سالم کارمندان خود در انجام وظایف محوله و موظف به رعایت قانون و اجتناب از هرگونه رفتار ناقض قانون اعم از فعل یا ترک فعل می داند و با لحاظ این که ترک





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱



همدان، تأکید کرد: بر اساس قانون، اگر مدیری عالمانه یا عامدانه و یا با سوءنیت در راستای اهداف و منافع شخصی خود یا دیگران مرتکب ترک فعل شود تحت عناوین مختلفی مانند: اختلاس، سوءاستفاده از موقعیت، تبانی در معاملات، استنکاف از اجرای قوانین مملکتی، ارتشا و اختلاس، قابل تعقیب و پیگیری است و با متخلف به شدت برخورد خواهد شد در ادامه مواد مرتبط به دستورالعمل نحوه مقابله با ترک وظایف قانونی مدیران و وظایفی برای سازمان بازرسی، دادستانی، دیوان عدالت اداری و ... مشخص شده است:

سازمان بازرسی؛ اعلام موارد تخلف و نارسایی ها و سوء جریانات اداری و مالی ناشی از ترک فعل

ماده ۲ - در اجرای قانون، سازمان بازرسی اقدامات زیر را معمول می دارد:

ت - اعلام موارد تخلف و نارسایی ها و سوء جریانات اداری و مالی ناشی از ترک فعل به هریک از مقامات مذکور در بند ج ماده ۲ قانون و پیگیری تا حصول نتیجه و در صورت اقتضا، فراهم نمودن تمهیدات لازم جهت جلوگیری از تخلف و اقدام قانونی در صورت تکرار برابر تبصره ماده ۱۰ قانون؛

ث - تذکر به دستگاه اجرایی در صورت عدم اقدام به موقع جهت اقامه دعوی در مراجع قضایی در موارد تضییع حقوق عامه و منافع بیت المال و اعلام نتیجه و گزارش اقدامات انجام شده به دادستان کل کشور؛

دادستانی؛ در اسرع وقت نسبت به تعقیب موضوع، جمع آوری ادله و نظارت بر تحقیقات اقدام لازم را به عمل آورند

ماده ۳ - در اجرای ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری، مواد ۵۹۸ و ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و دستورالعمل، دادستان ها در سراسر کشور مکلف اند به منظور صیانت از حقوق عامه، تدابیر زیر را جهت حفظ حقوق عمومی و پیگیری و مقابله با ترک وظایف قانونی اتخاذ کنند:

الف - در صورتی که ترک وظایف قانونی مدیران، مسئولان و رؤسای دستگاه های اجرایی و اهمال در انجام وظیفه و عدم نظارت بر کارکنان موجب تضییع حقوق عمومی یا ایراد صدمه یا خسارت بر اموال عمومی یا منابع بیت المال و یا حقوق اساسی ملت، مانند حق سلامت یا امنیت عمومی و دیگر حقوق مصرح در قانون اساسی ناظر بر حقوق عامه شود و

لذا تداوم کم آبی نباید راهی برای توجیه انتقال آب بین حوضه های باشد از این رو باید راهکارهای متفاوتی در بخش های مختلف صنعتی خانگی و کشاورزی برای حل بحران آبی انجام شود همچون استفاده از منابع آب جایگزین، تغییر الگوی مصرف، کاهش تلفات آب در طول انتقال، افزایش بهره وری فناوری، اعمال صحیح سیاست های آب مجازی، اصلاح الگوی کشت، آموزش و سرمایه گذاری و نهایتاً مدیریت سازگار منابع آب از جمله آن ها می باشد.

حال به دلایل مختلف مردم همدان در شرایط بحرانی فعلی قرار گرفته اند و سلامت آن ها در معرض تهدید است و راهکار همان انتقال آب بین حوضه های در نظر گرفته شده است و مسئولان فعلی در حال اجرا و اتمام ۱۰ کیلومتر طرح انتقال آب باقیمانده از تلوار به همدان هستند و سخن از برطرف شدن مشکل آب از هفته آینده می کنند.

ترک فعل باعث به وجود آمدن مشکلات زیادی برای مردم می شود/ با متخلف به شدت برخورد خواهد شد

به گزارش ایسنا مورخ ۱۱ مهر ۱۴۰۰ و به نقل از معاونت قضایی، اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان همدان، عباس نجفی اظهار کرد: بحث ترک فعل، ممکن است سبب ضایع شدن حقوق بیت المال یا حقوق اشخاص شده زیرا زمانی که مدیر یک دستگاه، وزارتخانه یا سازمانی به صورت صحیح به وظیفه خود عمل نکند، در آن حوزه به شدت بحران ایجاد شده و در نتیجه مشکلات زیادی برای مردم، به وجود خواهد آمد.

نجفی با بیان اینکه بحث ترک فعل مدیران در حوزه های مختلفی مانند صنعتی، کشاورزی، آب تبدیل به یکی از مسائل و معضلات جدی شده است، تصریح کرد: در راستای پیشگیری از ارتکاب این تخلف، قوانینی مختلف مانند قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد پیش بینی شده و بر اساس این قوانین، مدیران مکلف هستند که وظایف خود را کامل اجرا کنند و در صورت تخطی، توسط دستگاه های ناظر مثل سازمان بازرسی کل کشور، حراست ادارات و وزارت اطلاعات، اخطارهای لازم را دریافت و در صورت استمرار به مراجع قضایی جهت برخورد قضایی رجاع داده می شوند.

معاون قضایی، اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

یا مضر به سلامت و امنیت مردم شود و یا این قبیل اقدامات سبب بروز یا توسعه خسارت و صدمات گردد و دارای وصف مجرمانه باشد، در اسرع وقت نسبت به تعقیب موضوع، جمع آوری ادله و نظارت بر تحقیقات اقدام لازم را به عمل آورند و مراتب را به دادستان کل جهت پیگیری اعلام نمایند.

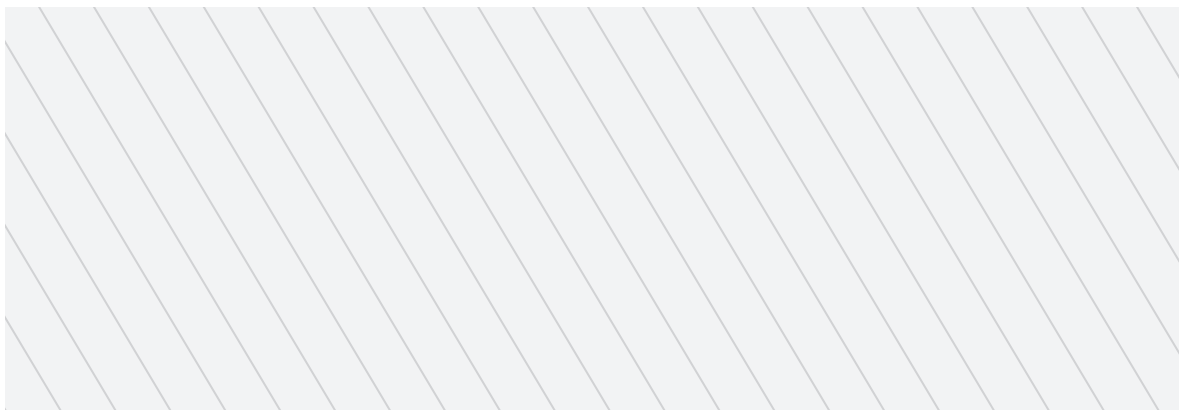
دیوان عدالت اداری؛ حسب مورد مراتب را جهت اقدام قانونی به دادستان کل کشور یا سازمان یا دیوان محاسبات اعلام کند

ماده ۴- دیوان عدالت اداری اقدامات زیر را معمول می دارد:

الف - در اجرای ماده ۱۲۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۹۲ و در راستای انجام وظایف قانونی خود در بررسی انطباق تصمیمات و اقدامات دستگاه های اجرایی با قوانین و مقررات، مسؤولیت ناشی از ترک فعل و تخلف در اثر عدم انجام وظایف قانونی دستگاه های اجرایی را مدنظر قرار داده و چنانچه ترک فعل مدیران دستگاه های اجرایی دارای وصف مجرمانه یا متضمن تضییع حقوق عمومی یا خسارت به اموال یا منافع عمومی باشد، حسب مورد مراتب را جهت اقدام قانونی به دادستان کل کشور یا سازمان یا دیوان محاسبات اعلام کند؛

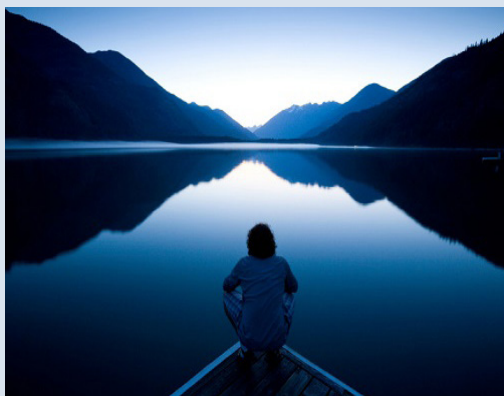
ماده ۱۲- این دستورالعمل در ۱۲ ماده و ۲ تبصره در تاریخ ۳۰/۷/۱۳۹۹ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید و از تاریخ تصویب لازم الاجرا است.

حال با توجه به وضعیت بحرانی و کم آبی در همدان که مشکلات زیادی را برای مردم در حوزه های مختلف ایجاد کرده است رد پای ترک فعل مشاهده نمی شود؟ آیا مدیران پیشین و نمایندگان وقت به وظایف تعریف شده خود عمل کرده اند؟ آیا نمی توانستند با این جدیتی که در حال حاضر موضوع در حال پیگیری است این مقوله مهم را به سرانجام رسانند؟ اگر مسئول بدانند که در ازای عملکردش قطعاً مورد بازخواست قرار می گیرد آنگاه به بهترین شکل ممکن به وظایفش می پردازد. حال تاوان این همه زیان به مردم را چه کسی باید بپردازد و چه کسی باید پاسخ دهد؟ از دادستانی محترم و دستگاه های نظارتی مرتبط که در دستورالعمل بدان آن ها اشاره شد خواهشمند است ورود پیدا کرده و ترک فعلی را اگر رخ داده (بسیاری از شهروندان وضعیت فعلی را کوتاهی در انجام وظایف مدیران پیشین حوزه آب و نمایندگان در سال های گذشته می دانند) مورد بررسی قرار داده و اعمال قانون نمایند.





اندیشه





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

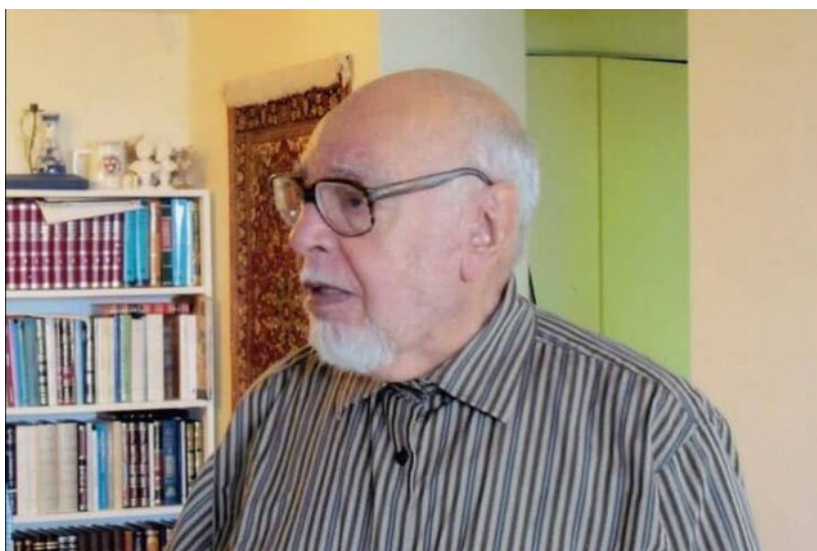
شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

حزب وحدت ایران

ویادی از سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ شمسی

نوشته: دکتر احمد مهدوی دامغانی



در شماره ۴۱ نشریه اراده ملت (۶ تیر ماه ۱۴۰۱)، وعده داده بودیم که خاطرات دکتر احمد مهدوی دامغانی از فعالیت کوتاه حزبی شان را باز نشر نماییم. در این شماره نشریه این فرصت مهیاء شد تا این خاطرات را به نقل از نشریه بخارمنتشر نماییم. طبیعی است که بعضی از دیدگاه‌ها و قضاوت‌های ایشان مورد قبول ما نیست و ما از جهت بازخوانی تاریخی به نقل آن‌ها بدون هیچ دخل و تصرفی می‌پردازیم. نثر ایشان در این مقاله بسیار زیبا و دل‌نشین است و خواندن این خاطرات را با لذتی ادبی همراه می‌کند.

حزب ایران - که با مختصر سلام و صولاتی هم توأم شده بود - بر برخی از اعضای آن حزب بسیار گران آمد و آن را منطبق با مصالح ملی و مقاصد حزبی ندانستند به اصطلاح آن ایام از آن حزب انشعاب کردند. از طرفی بعضی از نامداران سیاسی و اجتماعی آن زمان هم که از قوام السلطنه و حکومت ائتلافی او و حزب دموکرات ایران مخلوق او که در حقیقت قوام السلطنه آن را برای مقابله با حزب توده و ضامن دست‌مایه‌ای سیاسی برای پشتوانه خود و حکومتش و نیز وسیله‌ای برای معارضة با احزابی چون حزب «اراده ملی» مرحوم سید ضیاء یا حزب «عدالت» کذابی تأسیس کرده بود مخالفت جدی می‌کردند زیرا قوام السلطنه با سوریسمی که از صندوق دولت به برخی مدعیان و جاهت ملی، و یا با صدور جواز ورود چای و لاستیک و دیگر اجناس امتعه خارجی و اعطای آن به سر دسته های بازار و محلات، در آن ایامی که هنوز برای بسیاری از مایحتاج و ارزاق و عمومی «جیره بندی» و «کوپن» وجود داشت می‌خواست اکثریت معتناهی که بتوانند آن را اولاً در برابر روس‌ها و مسئله نفت و ثانیاً برای انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورای ملی سرمایه و سنگ دست خود قرار دهد فراهم آورده باشد و این مسئله دوم یعنی تمهید مقدمات برای انتخابات دوره پانزدهم این «رجال» و نامداران سیاسی آن ایام را دلواپس و آزرده خاطر ساخته بود از این رو بود که منشعبین که عموماً از مردمان پاک‌دامن و خوش‌نام و صاحب‌منصبان و الامقام دستگاه‌های دولتی یا اساتید محترم دانشگاه بودند با آن گروه «رجال و پیرمردان» ائتلاف کردند و حزب جدیدی را به نام «حزب وحدت ایران» تأسیس فرمودند از آن میان آن رادمردانی که غیرت وطن‌خواهی آنان از اینکه حزب ایران، حزبی که اینان حیثیت سیاسی و شهرت اجتماعی خود را در آن یافته و یا بر آن مصروف داشته بودند، جریحه‌دار شده بود و از آن حزب

احترام و ارادت ناچیز به جناب آقای دکتر ریاحی، اینک امسال که سال ۱۳۸۲ خورشیدی است سابقه‌ای پنجاه و هفت و هشت ساله دارد، بدین توضیحی که در سال ۱۳۳۴ محمدمامین ریاحی دانشجوی برانزده دانشکده ادبیات بود و احمد مهدوی دامغانی دانشجوی دانشکده معقول و منقول و در اوایل ۱۳۳۵، در گیراگیر واقعه آذربایجان و در بحبوحه شرارت و وقاحت حزب توده و اوج ادعا و انحصار طلبی حزب دموکرات ایران ساخته و پرداخته مرحوم قوام السلطنه (ره) زعمای حزب ایران (که محل آن در آن ایام در خیابان شاه‌آبادی اول کوچه ظهیرالاسلام بود) به امید یافتن راه اصلاح و بازآوردن آن وطن فروشان متجاسر و فاسد را به صلاح، از پیشه‌وری ملعون مخدول و بعضی از اشرار وابسته به او دعوت کردند که آنان به طهران بیایند تا مذاکراتی میان سران حزب ایران و آن دموکرات‌ها؟! صورت گیرد بلکه کار به کناره‌گیری آنان و با یک نوع کارگزاری‌شان از حکومت مرکزی ایران منجر شود (که نشد و مسلم گشت «که به قول شیخ اجل باید «دست بگیرد سر شمشیر تیز» و کار آن نابکاران را باید با شمشیر فیصله داد). این دعوت و آمدن پیشه‌وری و دار و دسته‌اش به



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

برو این دام بر مرغی دگر نه که عنقا را بلند است آشیانه
وظیفه دیگران آن جوان وارد کردن جوانان دانشجوی و علی الخصوص
دانشجویان حقوق که به هر حال از درس آقای دکتر متین دفتری هم
استفاده می کردند به حزب بود و این جوان فعال یک وردست پر جنب و
جوش هم داشت که به تعبیر خراسانی ها در حکم (چوکر) آن (نوکر) یا
مرید دکتر بود و اجازه یفرماید که از آن نوکر و چوکر نام نبرم زیرا خود
جناب دکتر ریاحی نام آن ها را می داند، اجمالا آنکه هر دوی آن ها زود
به مشروطیت خود رسیدند و اولی به نمایندگی مجلس و وزارت و سفارت
هم نائل شد و دومی هم در کارهای بانکی و بیمه گری صاحب نام شد
و اولی اینک در فرانسه مقیم است و دومی در لندن و این دومی گویا
گرفتاری هایی هم با دادگاه تجارت لندن یافته است.

یاری (حزب وحدت ایران) مهما امکن و به قدر مقدور فعالیت مطلوبی
در جهت تحقق بخشیدن به مرامنامه خود ابراز کرد و حسن شهرتی هم
یافت و تقریبا همه روزه عصرها و اوایل شب در محل اجتماعات حزب
که در سالن بزرگ گراند هتل خیابان لاله زار قرار داشت جلساتی برگزار
می شد و جوانان و پیش کسوتان سخنانی مقبول و مطبوع می گفتند.
گاه نیز مرحوم مبرور استاد ملک الشعرا بهار با آن حال نزار و با تکیه بر
عصا پشت تریبون تشریف می برد و حاضران را از فرمایشات دل نشین
خود جهت حفظ وحدت ملی و قیام جدی برای نجات آذربایجان عزیز
از چنگال اجانب و عوامل ملعون آنان مستفیض می فرمود بسیار اتفاق
می افتاد که سخنان مرد والا مقام با هلهله و کف زدن ها و گل پاشیدن ها
به سوی او نیمه تمام ماند چون آن وجود مبارک عزیز میبایست نفسی
تازه کند و چایی بنوشد تا بو که، آیا بتواند دنباله سخنان شیوا و مزین به
لطایف ادبی و حماسی خود را از سر گیرد یا آنکه خستگی اش حاضران
را از استماع فرمایشات او محروم سازد، از جمله سخنرانان و در حقیقت
باید گفت سخنوران جوان آن ایام و بلکه فی الواقع زبان گویای جوانان
و بهترین بیان کننده احساسات وطن پرستانه آنان همان محمدامین
ریاحی دانشجوی ادبیات و «ترک فارسی گوی» بود که از آنجا که خود
آذربایجانی و صاحب درد بود آتش آتشین تر و مؤثرتر می نمود خاصه
آن که گاه با سروده های میهنی خود هیجان و شور شدیدی را در همه
شنوندگان و به ویژه جوانان ایجاد می کرد.

از اواخر آبان ماه سال ۱۳۲۵ که مقرر شد ارتش شاهنشاهی در
استخلاص آذربایجان و سرکوب متجاسران وارد عمل شود و سربازان
ارتش به سوی آذربایجان حرکت کردند جلسات حزبی در حزب وحدت
ایران تقریبا روزانه تشکیل می شد و تا پاسی از شب ادامه می یافت،
در اوایل آذرماه که زنجان مستخلص شده و نیروهای ارتش به سمت
تبریز رفته بودند و همه مردم ایران منتظر فتح و فیروزی و ضمنا تنبیه
و مجازات خائنین و چشم به راه آزادی تبریز می بودند اول شبی که
تقریبا همه سالن اجتماعات حزب را اعضا و جوانان اشغال کرده بودند و
به اصطلاح جای «سوزن انداز» نبود ناگهان محمدامین ریاحی باحالتی
ژولیده و شوریده که در چشمان عزیزش شوق و امید موج می زد و
صفای روح و غیرت وطن خواهی از آن تجلی می کرد، بر پشت تریبون
رفت و در آغاز چند بیتی که خودش ساخته بود و بسیار مقتضی حال و مقام
و وصف الحال جمع حاضر بود با صدایی که از آن خشم و اندوه گوینده
انبساط می شود خواند و سپس فریاد زد آقایان و برادران، من به عنوان
یک آذربایجانی نمی توانم دست روی دست بگذارم و خودم در راه نجات
وطنم قدم برندارم و لاقول خدمتگزاری و آمادگی خودم و هر که را که با
من همگام و هم آواست به مصادره امور عرضه نکنم، از این روی، آقایان،
من خودم به هزینه خودم یک اتوبوس کرایه کرده ام که خودم را و هر
کس که مرا همراهی می کند تا هراندازه که این اتوبوس جای داشته باشد
به طرف اهر ببرد تا در آنجا به صفوف ارتش ملحق شویم. این اتوبوس
فردا صبح ساعت شش و نیم در کنار استخر امیرآباد (کوی دانشگاه) (حالا
آنجا به چه صورتی است؟! و ساعت هفت و نیم در خیابان شاهرضا اول
خیابان فروردین متوقف و منتظر است هر که داوطلب همراهی است

انشعاب کردند اکنون جز نام مرحومان دکتر شمس الدین جزایری، هادی
اشتری، ارسلان خلعتبری، مرتضی مصور رحمانی، فضل الله گرکانی،
دکتر مسعود ملکی، محمدحسین اخوی که خدای همه شان را بیامرزد
و جناب آقای مهندس علیقلی پیابانی که خدای عمرش را دراز بفرماید
و چند دانشجوی پرشور و در رأس آنان محمدامین ریاحی دانشجوی
ادبیات - اطال الله بقاء - و حسنعلی صارم کلالی و مصطفی المونی
- دام عمرهما - و مرحوم منوچهر پرتو و محمد نخشب و علیرضا
صاحب و اکبر زرینه بافت و مرحوم جعفر شهیدی (که البته نباید او را با
حضرت استاد بزرگوار دکتر سید جعفر شهیدی «دامت افاضاته» یکی
دانست) و ابوالحسن صیری و ... دانشجویان حقوق و حسین صاحب
و یحیی باختر؟ و حسین آیدین و فرخ سرکاری (از دانشجویان طب) و
محمدجعفر اسلامی (که هنوز باهمشیره محترمه مرحوم محمدجعفر
محبوب ازدواج نکرده بود) و این حقیر از دانشکده معقول و منقول نام
دیگری به یادمانده است که خدای بزرگ رفتگان اینان را بیامرزد و
بر عمر آن آقایانی که اینک ان شاء الله زنده اند بیفزاید.

از و طبقه پیرمردان و به اصطلاح رجال که آن ایام برای بعضی از
آنان عنوان «رجال صدر مشروطیت» به کار برده می شد در درجه اول
از مرحوم مبرور استاد اجل افتخار خراسان، و بزرگترین شاعر زمان
حضرت ملک الشعرا محمدتقی بهار - قدس سره - باید یاد کرد و سپس
از مرحومان امیر سهام الدین غفاری (ذکاء الدوله) و ناصر قلی اعتمادی
(نصرت الدوله) و سید حسین زعیم کاشانی نام برد. یک چهره سیاسی
پیدا و پنهان دیگر را هم باید اضافه کنم و او مرحوم دکتر احمد متین
دفتری نخست وزیر اسبق و استاد دانشکده حقوق بود که هم از جهت
مخالفت ظاهری اش با قوام السلطنه و هم به مناسبت اینکه برادرزاده و
داماد مرحوم دکتر مصدق بود (که نه به آن عداوتی، و نه به این ارادتی
داشت) نامش بر سر زبان ها بود و طبعاً رابطه استواری هم با دربار
داشت و بعضی مطالب و مقاصد آن حزب را به اجتهاد خود یا به تقلید از
دیگری عنوان و به حزب القا می کرد و به به اصطلاح فعلی روزنامه های
ایران که فی الواقع نشر همه آن ها سر مشقی از بلاغت است!! به حزب
خط می داد اما کمتر خود را در حزب و جلسات آن نمایان می ساخت،
و یک نوع جنت مکانی تصنیی برای خود قائل بود ولی معنی به قول
ضرب المثل عربی «ینجر النار الی قرصه» (آتش را به سوی کرده نان
خویش می کشید) و باز به مضمون آن بیت عربی که:

و اذا تکون کرهیه ادعی لها و متی یحاس الحیس بدعی جندب
(اگر کاری سخت و ناخوشایند در میان باشد مرا برای انجام آن
می خوانند ولی در هنگامی که آتش و پلویی پخش میشود جندب را
دعوت می کند) (یک کمی ترجمه به مضمون است، فضیلا محترم
مرا معذور بفرمایند)

فی المثل اگر راهپیمایی یا تظاهراتی لازم می شد جناب ایشان همه را
به شرکت در آن تشویق می فرمودند ولی البته خودشان اگر زمستان بود
به عذر زکام و گریب از کنار بخاری منزل شهری در خیابان حشمت الدوله
دل نمی کردند و اگر تابستان بود به بهانه دوری راه و تحت تعمیر بودن
اتومبیل شخصی طبعاً استراحت در هوای خنک و زیر درختان باغچه
خودشان را در نزدیکی باغ فردوس تجریش قطعاً بر راهپیمایی در زیر
آفتاب سوزان طهران ترجیح می دادند و شرکت در چنین مسائلی را
وظیفه ملی جوانان و دانشجویان دانسته و آنان را به ادای آن فریضه
الزام می کردند و خودشان همیشه در حجاب جنت مکانی کذایی محتجب
و مختفی می شدند. و باب!!! ایشان جوان خوش قدوبالای باعرضه پر
جریزه سر زبان داری بود که به تازگی لیسانسیه حقوق قضایی هم شده
و سرسپرده دکتر بود و ضمنا مدیریت روزنامه گکی به نام «مرد روز»
یا همجو اسمی را، هم به عهده کفایت خود داشت و او مبلغ اوامر و
فرمایشات دکتر به دانشجویان اعضای جوان حزب و نیز به واسطه تقدیم
استدعاها و عرایض دکتر به همان رجال بود که البته مرحومان: استاد
اجل بهار یا ذکاء الدوله غفاری سری تکان می دادند و پوز خندی می زدند
و به زبان حال به او و فرستنده او می فرمودند که:



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

فردا سر ساعت در یکی از این دو محل حاضر شود. این را گفت و از تربیون به پایین آمد و حاضران با تحسین و آفرین او را استقبال کردند و آنانکه جلوتر بودند او را صمیمانه در آغوش فشردند و همان شب عده‌ای از دانشجویان آمادگی خود را برای همراهی با او اعلام کردند و فردا صبح در مواعد مقرر حاضر شدند و با او به‌طرف ابهر روانه گشتند.

این بنده که در آن زمان در مدرسه سپه‌سالار قدیم (بازارچه مروی) سکونت داشت نه آن همت آن را و نه بر فرض داشتن همت، امکان و فرصت را که با محمدامین ریاحی همراهی کند و از آن افتخار سهمی ببرد نداشت، و البته میان خودمان بماند، شعر کذایی کلیده را هم در سال دوم دبیرستان خوانده بود، به یادداشت داشت که:

الراس لا ینبته قطر المطر لیس بکرات اذا جز وفر
(سر آدمی را بریزش باران نمی‌رویاند، آن گنده‌ها (تره) نیست که چون چیده و بریده شود فراوان تر گردد)

و در تأیید بی‌همتای خود، حدیث مجعول و موضوع (الفرار مما لا یتطاق من سن المرسلین) را حدیثی حسن و متواتر و معتبر پنداشت و آن را لازم‌الاتباع دانست و فقط به تحسین و آفرین گفتن به محمدامین ریاحی بسنده کرد و دعا برای سلامت و موفقیت او را و وظیفه خود شمرد که: فلیسعد النطق ان لم یسعد الحال

محمدامین ریاحی شجاعانه با همراهان خود به‌سوی ابهر روانه شد؛ اما سه چهار روز بعد معلوم شد که در ارتفاعات ابهر که محل استقرار گردانی از نیروی ارتش بوده است، فرمانده آن نیرو که سروانی به نام تیمور بختیار بوده ضمن سپاسگزاری از همت و غیرت محمدامین حیایی و همراهان به آن‌ها اجازه شرکت در عملیات نظامی یا چریکی را نداده و تأکید بر بازگشت آنان به طهران کرده است و اصرار و پافشاری آنان در همراهی با آن گردان و انجام هر خدمتی که از ایشان بر می‌آمده است در آن سروان مؤثر نشده است. از مراجعت محمدامین ریاحی به طهران چند روزی بیشتر نگذشت که بیست و یکم آذر فرا رسید و ایام غم سرآمد و آذربایجان عزیز آزاد گشت ... و بقیه قضایا ...

پس از آزادی آذربایجان مسئله انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورای ملی پیش آمد و در بهار سال ۱۳۳۶ که انتخابات انجام شد همه دیدند صرافان گوهر ناشناس و دست‌اندرکاران تهیه صندوق‌های آرا تقریباً در بیشتر حوزه‌های انتخابیه «خرمهرها» را بر «در» ترجیح داده و برتر شمرده‌اند و در برخی از حوزه‌ها نیز آن‌ها را با «در» برابر کرده‌اند. البته آقای دکتر متین دفتری طهرانی المولد و المسکن از مشکین‌شهر (خیابو) به نمایندگی مجلس رسید و نیز دو سه نفر از نیک‌نامان و وطن‌دوستان شریفی که

نامشان مذکور شد نمی‌دانم به‌عنوان حزب یا به‌عنوان منفرد به مجلس شورا راه یافتند و چون بعضی از مؤسسان حزب و همه جوانان آن خیلی از نتیجه زحمات و تحسن کذایی‌شان در دربار و سپس از انتخابات دوره پانزدهم راضی نبودند دل‌سرد شدند و از طرفی آن عده که به مقصود رسیده بودند به مقتضای «طلب الدلیل بعد از الوصول الی المطلوب قبیح» دیگر با حزب کاری نداشتند خاصه آن‌که، بیماری آن نادره مرد دوران یعنی مرحوم ملک الشعرا بهار نیز بروز کرده بود لذا پس از آزادی آذربایجان و حصول مأمول و مطلوبش که همان استخلاص آذربایجان بود از حزب کناره گرفت و روی هم‌رفته دیگر حزب وحدت ایران در پایان سال ۱۳۳۶ حزب وحدت ایرانی که در سال ۱۳۲۴ تأسیس شد نبود و بالفعل منحل و مضمحل گردید و جز نامی از او باقی نماند و به نظرم از آنجا که همان‌ها که برای حصول مطالب خود هزینه‌هایی را که حزب نمی‌توانست از محل حق عضویت افراد پردازد تا زمان انتخابات فی‌الجمله می‌پرداختند پس از وصول به مقصود، شانه از تحمل آن پرداخت‌ها خالی فرمودند. پرداخت اجاره‌بهای سالن گراند هتل نیز میسر نشد و حزب مشمول حکم «ما از مدرسه بیرون می‌رویم» گشت و سپس به‌آرامی به رحمت خدا پیوست. حالا خوانندگان عزیز که مانند این فقیر به حضرت استاد دکتر محمدامین ریاحی - دامت برکاته - ارادت و اخلاص دارند تصدیق خواهند فرمود که شرافت موضوع این مقدمه بر چه اساس و مبنایی ثابت گردیده است. شرافت ذاتی و علو روح و ظرافت طبع حضرت دکتر ریاحی به‌اضافه مقام والای ادیبی که حضرتش حائز آن است و خدمات فرهنگی چشمگیر ایشان در طول حیات پربرکتش که خداوند متعال عمر شریف او را دراز فرماید در سمت رایزن فرهنگی ایران در ترکیه، که پس از مرحوم مغفور استاد جلیل‌القدر بارع جامع بی‌بدیل مجتبی مینوی - رحمت‌الله علیه - که متصدی آن سمت بود دکتر ریاحی جانشین بالاستحقاق او گردید و چه در مناصب و مقاماتی که تصدی ایشان یقیناً به آن مناصب و مقامات رفعت و زینت بخشیده بود، به‌ضمیمه تألیفات نفیس و ظریف او، گوهر پاک او را از هر مدحت و تمجید و ثنایی مستغنی می‌دارد و به‌راستی «خود ثنا گفتن ز ما ترک ثناست». خداوند متعال ان‌شاءالله بر عمر او و تنی چند کبار همتای او را امثال حضرت اساتید دکتر سید جعفر شهیدی، دکتر منوچهر مرتضوی، دکتر محمدعلی موحد، برکت و افزایش عطا فرماید و به حضرات استاد والا مقام ایرج افشار که از نگهبانان صمیمی و باوفای فرهنگ ایران است و قریب شصت سال است که اهل ادب ایران از برکات آثار و موارث ادبی ایران و اسلام که به همت او احیاء شده است بر خوردارند و به استاد گران‌قدر دکتر شفیعی کدکنی که چشم‌وچراغ، و روح و ریحان ادبیات فارسی است و آنچه خوبان همه



یادمان آن سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ شمسی از حزب وحدت ایران
دکتر احمد مهدوی دامغانی

اعتراف به اشتباه در استهلال ماه شوال، آنچه مغفول ماند

ماه نو، ماجرای کهنه

کاظم طیبی فرد

اینجا و اکنون، ماجرا رنگی دگر است. هر سال مناقشه‌ای بر حجیت شواهد برپاست تا لحظه‌ای که به‌طور رسمی و قطعی توسط حاکمیت روز عید فطر اعلام گردد. از فردای آن روز، پرونده مناقشه، مختومه نشده، مفتوحه اما بی پیگیری رها می‌شود تا سال دیگر که "سر از نو، کلاه از نو".

ماه رمضان سال جاری، این ماجرا باز هم چون همیشه تکرار شد. گروهی روز دوشنبه و گروه دیگر روز سه‌شنبه را به‌عنوان روز عید فطر، اول شوال، اعلام کردند. تا همین جای ماجرا، شاید حرجی بر کسی نیست. هر کس بنا بر تشخیص و بضاعتش، اجتهادی کرده یا اجتهادی را تقلید نموده اما ادامه این ماجرا حاکی از یک خلأ معرفتی و فرهنگی است.

روز چهارشنبه، ساعتی پس از غروب آفتاب، هلال ماه نمایان شد؛ اما دیگر کسی مشتاق رؤیتش نبود در حالی که به‌سادگی و با مشاهده قطر هلال می‌شد دریافت که این هلال، هلال روز سوم است یا روز چهارم. می‌شد فهمید اما گویا دیگر فهمیدنش موضوعیتی نداشت. روز سه‌شنبه تعطیل شده و عید نیز سپری شده بود ولی مگر نه اینکه یکی از آن دو گروه اشتباه کرده و مگر نه اینکه روش آن گروه ناکارآمد و باطل است؟

پیدا و بدیهی تر از آن است که لزومی داشته باشد گفته شود اما گویا از "پیدایی است پنهان". پیداست که نمی‌تواند هم دوشنبه عید بوده باشد و هم سه‌شنبه، از آن هم پیداست که نمی‌تواند هم معتقدان به گزینه‌ی اول بر حق باشند و هم آن دیگری. پس چرا صدایی و خبری از عذرخواهی و اعتراف به اشتباه، نیست؟

اما چرا منتظر این اعترافیم؟ نه از سر کین توزی، بل به دو جهت دیگر. اول به جهت اینکه دینی شرعی در میان است. به هر حال و به هر دلیل، یک گروه و مرجعیت آن اشتباه کرده. یکی روز عید را روز نه‌نگه داشته که فعلی حرام است و باید از آن توبه و استغفار کند و دیگری، چنانچه در تشخیص روز عید اشتباه کرده، یک روز راسخوار روز خوری کرده و باید قضای آن را به‌جا آورد. پس بر عهده‌ی مرجعیت یکی از این گروه‌هاست که به اشتباهش اعتراف کند تا راه جبران شرعی را بیابد.

اما علاوه بر مسئله‌ی شرعی، مسئله و وجه دیگری هم هست؛ ابطال پذیرایی علمی، مشاهدی هلال ماه نو یک تجربه است و هر تجربه‌ای در محدوده‌ی موضوعی علم قرار دارد. با هر روش و فلسفه علمی به این تجربه بنگریم، لازم است که تفسیرها و تبیین‌های اشتباه کنار نهاده شوند.

روش علم، از من و خطاست به شرط آنکه به خطا بودن یک خطا معترف باشیم و آن را به همراه راه‌هایی که منتج به آن نتیجه شده کنار بکشیم و حذف کنیم. هر روشی که در تشخیص عید اشتباه کرده، باید روشش را تغییر دهد. پس لازم است که اعتراف کند. علم به جلو نمی‌رود و زایشش مرز را از دست می‌دهد، اگر خطاهایش را نپذیرد. پذیرفتن خطا، اولین قدم دانایی و علم است.

پس چه اهل علم باشیم، چه اهل دین، چه اهل آشتی این دو، اهل همیاری بینشان و چه هر انگاره‌ی دیگر، باید اعتراف کنیم؛ اما خبری از اعتراف نیست، شاید مسئله، نه علم، نه دین، نه شرع و فرائض، مسئله‌ی یک روز تعطیلی بیشتر بوده که دیگر منتفی شده‌اشاید!

مناقشه و رقابت علم و دین ماجرای تازه‌ای نیست. بعید هم هست که سرانجامی بیابد، اما در بلاد محاکمات دیگری است.

به‌طور کلی و در طول تاریخ تفکر، سه موضع کلی در این باب وجود داشته و نسبت میان علم و دین را در این سه موضع می‌توان خلاصه کرد.

الف، نسبت تباین: کسانی که به این دیدگاه قائل هستند اعتقاد دارند که دین و علم دو حوزه متفاوت و دو موضوع، نگرش و روش ناهم‌ساخته‌اند که نه تنها سازگاری با یکدیگر ندارند، مدعایشان هیچ ربطی به آن دیگری ندارد. بنابراین دیدگاه دین یک تفسیر از جهان است و حق ادعای تبیین را ندارد، همچنان که علم متصدی تبیین است و وظیفه تفسیر بر گردنش نیست. علم می‌باید دلیل وقوع پدیده‌ها را کشف کند و دین غایت معنایی و بایسته‌های اخلاقی متناسب با آن را.

ب، نسبت تضاد: طبق نظر متفکران قائل به این دیدگاه، علم و دین دو موضوع مخالف هم هستند و یکدیگر را نقض و رد می‌کنند. آنچه علم ارائه می‌کند بر خلاف دین است و آنچه دین می‌گوید علمی نیست. منشأ دین، خرافه و جهل آدمیان است و زادگاه و مبنای آن، اساطیر و افسانه‌هاست.

ج، نسبت تقابل: طبق این دیدگاه، علم و دین به‌عنوان دو موضوع مستقل در مقابل هم قرار دارند اما این تقابل، بسته به موضع قائلانش، می‌تواند میان اشتراک و مساعدت یا افتراق و معاشرت در نوسان باشد.

بنابراین، خود این دیدگاه را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. اول دیدگاه تقابل باوری که معتقد است، علم و دین در عین استقلال از یکدیگر و تفاوتشان در موضوع و روش، در مواقعی اشتراکاتی دارند که می‌توانند در این اشتراکات به یکدیگر یاری برسانند به‌عنوان مثال، طرفداران پراگماتیسم، از این دسته‌اند و اعتقاد دارند که می‌توان از دین و باور دینی برای درمان و التیام بخشی روان‌شناسانه بهره برد.

اما گروه دوم از تقابل باوران بر این باورند که علم و دین به‌عنوان دو گونه از نگرش بشری، همان‌سان که به‌موازات هم به حیاتشان ادامه می‌دهند، هر کدام مقتضیات زمان، مکان و فرهنگ، متصدی ساماندهی باورهای گونه‌ای از مردمان هستند و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز این هر دو، امری لازم و اجتناب‌ناپذیر است.

چنین تقسیم‌بندی و نظام دهی فکری‌ای صرفاً برای سخن درازی و محفل پر کنی نیست. یک بحث صرفاً دانشگاهی و غیر کاربردی نیز نیست. مسئله‌ای مانند مسئله استهلال ماه شوال بهترین مؤید این مدعاست و نشانگر آن است که گریزی از اعلام موضع نسبت به نگرش‌های فلسفی نداریم.

یامی باید به تباین میان علم و دین تصریح کنیم و از مداخله‌ی دین و علم در قلمرو یکدیگر جلوگیری نماییم که در این صورت حق نخواهیم داشت معیارهایی چون حلول ماه نو را برای آغاز یا پایان یک فریضه قرار دهیم و یا باید به تعارض علم و دین اقرار نموده و دلایل محکم و همه‌فهمی در رد برخی تبیین‌های علمی عرض نماییم. اگر این موضع اخیر را بپذیرفته باشیم، اخلاقاً و منطقاً مکلف هستیم که اشتباهمان در تعیین روز عید فطر را بپذیریم و مغلوبه شدن نبرد و شکست دین را قبول کنیم.

اما چنانچه به یکی از نسبت‌های تقابل باور داریم، حالا وقت آن است که دست استمداد به‌سوی علم نجوم دراز کنیم و در مقابل نتایج آن تسلیم باشیم. ولی گویا،



هفته نامه غیر بر خط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱



گفتگو



سید جلال ساداتیان، سفیر و نماینده پیشین مجلس در گفت و گو با اراده ملت عنوان کرد:

تحرز در دیدگاه امام، امری پذیرفته شده بود تا استقرار نظام حزبی فاصله‌ای طولانی داریم



احزاب سیاسی با مردم سالاری، جانشین خودرأیی‌ها و استبداد می‌شوند و پارلمان‌ها و کابینه‌ها را اداره می‌کنند و تمامی این مراحل با مشارکت مردم و توسط رأی مردم انجام می‌گیرد.

ولی در کشور ما چنین تعریفی از حزب وجود ندارد و احزاب صرفاً به شکل گروه‌های تدارکاتچی انتخاباتی شناخته می‌شوند. دوره به دوره در ایام انتخابات سروکله احزاب و هواداران‌شان پیدا می‌شود و در آستانه هر انتخاباتی فعال می‌شوند و پس از آن در لاک دفاعی خود فرو می‌روند یا متفرق می‌شوند و یا کلاً از صحنه سیاسی کشور محو می‌شوند.

حضورشان در انتخابات هم ایفای نقش حزبی نیست بلکه کار تدارکاتی و تبلیغاتی است. حزب یک مجموعه تبلیغاتی یا یک شرکت بزرگ خدماتی نیست با نامزدی قرارداد ببندد و وظیفه معرفی او را به جامعه عهده‌دار شود و سپس از صحنه خارج شود. حزب وسیله نیست، یک ساختار است و افراد باید دیدگاه و توانایی‌های خود را به حزب عرضه کنند و تکالیف خود را دریافت کنند.

نسبت نظام با احزاب چگونه است. آیا حاکمیت جمهوری اسلامی ایران فعالیت احزاب را پذیرفته است؟

نظام سیاسی جمهوری اسلامی، حزب سیاسی را به عنوان یک نهاد پذیرفته است. قانون اساسی در فصل سوم و در جاییکه در صدد بیان حقوق ملت است فعالیت احزاب را به شرط عدم نقض موازین نظام جمهوری اسلامی، مشروع می‌داند.

به هر حال انقلاب ایران علیه دیکتاتوری بود، پس به هیچ وجه نمی‌توان در جمهوری اسلامی مسئله احزاب و تنوع گروه‌های سیاسی را منکر شد. امام خمینی به دیکتاتوری محمدرضا شاه حمله می‌کرد و تحرز در دیدگاه ایشان امری کاملاً پذیرفته شده بود.

ولی امروز حزب در دیدگاه حاکمیت به معنی اجتماعی، در تأیید و حمایت نظرات و سیاست‌های نظام است. در حالی که احزاب باید تنوع ایدئولوژی‌های سیاسی را به نمایش بگذارند و در جایگاه نقد دولت قرار بگیرند نه اینکه در موضع تأیید سیاست‌ها باشند.

متأسفانه آستانه تحمل حاکمیت نسبت به فعالیت‌های سیاسی پایین است و به رفتارهای سیاسی، فعالیت‌های حزبی و نقد دلسوزانه به دیده دشمنی و مزاحمت نگاه می‌شود.

به این معنی حاکمیت قانوناً احزاب را پذیرفته ولی ذات فعالیت حزبی در فرهنگ سیاسی ما مورد پذیرش قرار نگرفته است.

موانع فعالیت حزبی در ایران چیست و چرا نظام حزبی در ایران پا نمی‌گیرد؟

در ایران موانع تاریخی مهمی بر سر راه شکل‌گیری احزاب و تشکلهای وجود داشته، حکومت‌های پادشاهی و استبدادی قرن‌ها به گروه‌های سیاسی و افراد منتقد اجازه بروز و ظهور نمی‌داد و مردم هیچ نقشی در

اراده ملت، فاتره صدر: احزاب ایران پس از پیروزی انقلاب مشروطه و هم‌زمان با پا گرفتن مجلس دوم، رسماً کار خود را آغاز کردند؛ اما شکل‌گیری احزاب در ایران سیری متفاوت داشت. زیرا با توجه به سرنوشت مشروطه و مناسبات روز جامعه، احزاب در بستری متولد شده بودند که تعلق به آن نداشتند. گویی زمین برای رشد این بذر مناسب نبود، از این رو احزابی که برای حل مشکل به وجود آمده بودند به زودی به بخشی از مشکلات مبدل شدند. با گذشت بیش از صدسال از تولد اولین احزاب در ایران، هنوز تحرز در این سرزمین بر جایگاه شایسته خود ننشسته است و شنیدن نام حزب، شهروندان را تنها به یاد چند روز قبل از هر انتخاباتی می‌اندازد. اراده ملت در گفت‌وگویی با سید جلال ساداتیان، سفیر و نماینده پیشین مجلس به بررسی این موضوع پرداخته که در ادامه می‌خوانید:

تعریف شما از حزب و حکمرانی حزبی چیست؟

اینکه حزب در کل چه نوع تشکیلاتی است؟ و اینکه حزب در ایران چه جریه‌ای است؟ این‌ها دو سؤال متفاوت با دو جواب متفاوت است. به طور معمول احزاب سیاسی گروهی با ایدئولوژی مشخص‌اند که طالب حضور در قدرت هستند، رهبران گروه ایدئولوژی حزب را برای جامعه ترسیم می‌کنند و اعلام می‌کنند که چنانچه در انتخابات به آن‌ها رأی داده شود، شیوه اداره امور چنین و چنان خواهد بود.

در نظام سیاسی مردم سالار، حزب یعنی انتخابات و اولین و مهم‌ترین کار احزاب سیاسی معرفی نامزدهای مناسب در دوره‌های مختلف انتخاباتی است. ولی کارکرد احزاب به انتخابات محدود نمی‌شود. انتخابات تنها بولتن حزب است.

کار ویژه حزب در حوزه اجرایی، تصمیم‌گیری درباره سیاست‌های حکومت و اجرای آن سیاست‌ها و تربیت و معرفی نیروهای سیاسی است. تا جاییکه بدون حضور احزاب، حکومت‌داری به شیوه دموکراتیک قابل تصور نیست.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

سرنوشت سیاسی خود نداشتند. رد پای این وضعیت هنوز هم در جامعه پیداست.

هنوز هم مردم ما نسبت به سرنوشت خود احساس مسئولیت عمیقی نمی کنند. هنوز هم در جامعه تفکرات و نگاه هایی وجود دارد که احزاب را چندان جدی نمی گیرد و حتی وابستگی حزبی برای افراد برچسبی منفی است.

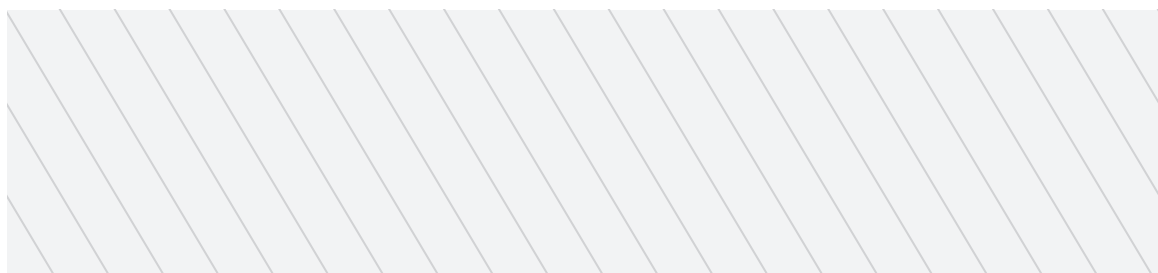
همان طور که اشاره کردم در جامعه ما که عقبه آن استبدادی و سلطنتی است نباید انتظار داشته باشیم که طی یک سده، فرهنگ حزبی و حرکت های سیاسی پذیرفته شود.

باید این محدودیت ها را در نظر بگیریم اگر این محدودیت ها به همین سبک ادامه پیدا کند، نباید این تصور را داشته باشید که احزاب تقویت

می شوند و نظام حزبی در کشور ما نهادینه شود! باوجود پیشرفتی که کشور طی صدسال اخیر داشت و باوجود توسعه سیاسی و اجتماعی، اما به شرط اراده: از همین امروز تا برون رفت از این شرایط و استقرار نظام حزبی، فاصله ای طولانی داریم.

افراد حاضر در هر لیست نیز بر اساس نسبت رأی خود بر رقیب در حوزه های مختلف فرعی اولویت بندی می شوند. در انتخاب نمایندگان هر لیست و پر کردن سهمیه آن لیست در حوزه های فرعی تک نماینده ای، اولویت به نامزدی داده می شود که نسبت رأی او بر رقیب از سایر حوزه های فرعی در آن لیست بیشتر باشد.

۱۴. انتخابات تک مرحله ای است و لذا کلیه قوانین مرتبط با دور دوم انتخابات مجلس و مغایر با این ماده لغو می گردد.



مهندس مسعود دانشمند، عضو هیئت رئیسه اتاق ایران در گفت و گو با اراده ملت تشریح کرد:

سیاسیون تنهادر ایام انتخابات از بخش خصوصی یاد می کنند اینجا هر تصمیمی که بخواهند بگیرند تصمیم دولت است



و پایه دوم اتاق های مشترک است و پایه دیگر تشکلهای صنفی است که باید در اتاق ها تشکیل شود.

هر شهرستانی که بیشتر از ۵۰ عضو داشته باشد می تواند درخواست تشکیل اتاق بازرگانی بدهد. اتاق ایران بعد از بررسی، اجازه اتاق شهرستان را صادر می کند. اتاق های بازرگانی در امور مالی و داخلی خود مستقل هستند ولی تحت ضوابطی قرار دارند که اتاق ایران برایشان تعیین می کند. در مورد اتاق های مشترک، کسانی که با یک کشور خارجی کار می کنند و عضو اتاق هستند می توانند درخواست تشکیل یک اتاق مشترک با یک کشور دیگر را داشته باشند. اتاق ایران با هماهنگی وزارت خارجه در صورتی که تشکیل اتاق مشترک را به مصلحت سیاسی کشور بدانند با تشکیل اتاق بازرگانی بین ایران و آن کشور موافقت می کنند.

بند ۵ ماده ۵ قانون اتاق بازرگانی می گوید: یکی از وظایف اتاق ایران تشکیل اتحادیه های صادراتی و وارداتی در اتاق ایران است. تشکلهای صنفی به این صورت در اتاق بازرگانی تشکیل می شوند. اعضای اتاق در هر تعدادی که در یک زمینه فعال هستند می توانند درخواست تشکیل یک تشکل را داشته باشند. مثل تشکل واردکنندگان لوازم خانگی یا تشکل واردکنندگان برنج و از این قبیل به این ترتیب بالای صد تشکل در اتاق ایران تشکیل شده است.

مهم ترین مشکل در این صنف چیست؟ آیا می توان نهاد اتاق بازرگانی و اتاق ها و تشکلهای وابسته را مجموعه هایی توانمند و قدرتمند دانست؟
نه به هیچ وجه، چون تشکلهای فعال و پویا نیستند؛ اما چرا این تشکلهای فعال نیستند و اثرگذار نیستند و جایگاه خودشان را به عنوان یکی از سه رکن اساسی اتاق ایران ندارند؟! دلیل روشن است، اتاق ایران باید به این تشکلهای بها بدهد، ولی تشکلهای جدی گرفته نمی شوند.

هیئت رئیسه اتاق ایران هر زمان رأی لازم داشته باشد از آن ها می گیرد و رهایشان می کند. درحالی که طبق ضوابطی که در سال ۹۱ تعیین شد یک در هزار فروش اعضای اتاق بازرگانی به اتاق ایران می رسد؛ مثلاً در هر فروش ایران خودرو یا سایپا یا فولاد مبارکه یا فولاد خوزستان و ... یک در هزار فروش باید به اتاق ایران برسد و اتاق ایران طبق قانون مصوبه مجلس باید این سرمایه را صرف توسعه تشکلهای کند درحالی که این اتفاق نیافتاده است و عملاً تشکلهای از این یک در هزارها که رقمی بسیار بالا و

در حدود هزار میلیارد تومان است، هیچ سودی نبرده اند. حداقل حمایتی که اتاق می توانست از تشکلهای داشته باشد این بود که برایشان جایی بگیرد و برای این امر بودجه ماهیانه ای در نظر داشته باشد. درست است که تشکلهای باید حق عضویتی از اعضا بگیرند اما این مبالغ کافی نیست. کارهای بزرگی بر عهده تشکلهای است؛ مثلاً به عنوان تشکل صادراتی یا وارداتی باید بتوانند برای شاخه فعالیت خود مطالعه علمی و میدانی داشته باشند. کارهای آماری داشته باشند و بعد از مطالعه علمی پروژه هایی را به صورت پیشنهاد رسمی بیاورند و از کانال اتاق ایران به مقامات دولتی ارائه بدهند. این کارها هزینه بر است و نیروهای متخصص می خواهد.

دبیر اتاق و مسئولان تشکلهای باید افرادی توانمند باشند که بتوانند همه این کارها را انجام دهد. وقتی تشکلهای از لحاظ مالی توانایی ندارند

اراده ملت، فاتحه صدر: انجمن های بازرگانی ایران بیش از ۱۳۰ سال سابقه فعالیت دارند. اتاق تجارت رسماً در سال ۱۳۰۵ تأسیس شد و در سال ۱۳۲۰ با تصویب قانونی جدید، بخش خصوصی کشور نام تشکل تجاری خود را به اتاق بازرگانی تغییر داد. این تشکل، جهت ایجاد هماهنگی بین فعالین صنف تجارت و همکاری میان بازرگانان، صاحبان صنایع و معادن و مراکز تجاری مهم کشور به وجود آمد. اتاق بازرگانی ایران امروز نزدیک به ۲۰ هزار عضو در سرتاسر ایران دارد. اراده ملت در گفت و گویی با مسعود دانشمند، عضو هیئت رئیسه اتاق ایران به بررسی فعالیت این تشکل پرداخته که در ادامه می خوانید:

با توجه به عضویت شما در اتاق بازرگانی از روند شکل گیری این تشکل و فعالیت های آن صحبت کنیم. آیا اتاق بازرگانی تشکلی صنفی است؟

اتاق بازرگانی در شکل مجموعه و انجمنی برای ایجاد هماهنگی میان فعالین این صنف سابقه ای بسیار طولانی دارد و شاید بتوان گفت برای اولین بار در دوران امیر کبیر به وجود آمده است و پیش از انقلاب تحولات مختلفی داشت.

اتاق بازرگانی در حقیقت همان ساختار اولیه است که با قانون فعلی اش که در سال ۱۳۶۹ تصویب شد تنها شکلی متفاوت و بوروکراتیک به خود گرفته است.

بر اساس این قانون اتاق بازرگانی موسسه ای غیرانتفاعی است و در قانون ذکر نشده که دولتی یا غیردولتی است و فقط عبارت موسسه غیرانتفاعی به کار رفته است.

تفاوت بین اتاق ایران یا اتاق تهران یا اتاق شهرستان چیست؟ آیا این مجموعه ها باهم در ارتباط هستند و فعالین صنفی بین شان تقویت شده است؟

ارتباط بسیار نزدیک است. اتاق های شهرستان ها با اتاق تهران و با سایر اتاق های مشترک در ارتباط و در همکاری هستند. اتاق بازرگانی بر اساس قانون سه پایه دارد یک پایه اتاق های شهرستان



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱



نمی توانند کارهای اساسی انجام دهند. حتی نمی توانند به وظیفه ذاتی خود که سازمان دهی به اعضای یک صنف است بپردازند و تشکل بی پول به مجموعه ای منفعل و بی مصرف تبدیل می شود.

اگر اتاق بازرگانی به پایه و اساس خود باز گردد و تشکل ها را مدیریت کند و بودجه ای برای تشکل ها در نظر بگیرد و نحوه صرف بودجه را نظارت کند که چگونه این هزینه ها صرف می شود و از این تشکل ها کار بخواهد و نظریه و پروژه مطالبه کند تشکل ها، کارایی پیدا می کنند و قدرتمند می شوند و آثار این تحول مثبت به طور مستقیم در اقتصاد و سپس در جامعه دیده می شود. امروز تشکل ها را هستند اگر بعضی کاری کرده اند و اگر تشکلی فعالیتی ندارد، کسی به این اهمیتی نمی دهد.

نقش حاکمیت در این مشکل چیست؟ جامعه تجار انجمن هایی دارند و به تشکل هایی شکل داده اند حال این تشکل ها منفعل هستند. برای پویایی تشکل ها چه باید کرد؟

شورای عالی نظارت که بیشترین و عالی ترین رکن اتاق است، متشکل از چهار دولتی است و سه نفر غیردولتی دارد که معمولاً تصمیمات باید تصمیمات دولتی ها باشد. پس اینجا هر تصمیمی که بخواهند بگیرند تصمیم دولت است و هر اتفاقی که در اتاق صورت بگیرد نهایتاً باید شورای عالی نظارت تصویب اش کند.

پس مجموعه اسما غیرانتفاعی است ولی تصمیمات دولتی است! در مورد انتخابات باید شورای عالی نظارت نتیجه را تصویب کند. به اشکالات در انتخابات رسیدگی کند. هر نوع اصلاحی در قانون اتاق در نهایت باید توسط شورای عالی نظارت تصویب شود و در سایر مسائل شورای نظارت تعیین کننده تکلیف است؛ بنابراین به نحوی اتاق بازرگانی کاملاً تحت کنترل دولت است.

دولت ۲۰ نماینده در اتاق تهران دارد که از ۶۰ هیئت نمایندگان اتاق تهران ۴۰ هیئت انتخابی هستند و ۲۰ هیئت با انتصاب دولت فعالیت می کنند. این

۲۰ هیئت انتخابی دولت در هیئت نمایندگان اتاق ایران هم هستند. بنابراین به نوعی دولت نظارت و دخالت مستقیم دارد؛ بنابراین منویات دولت همیشه در اتاق بازرگانی به واسطه یا بدون واسطه اجرا می شود.

شورای عالی نظارت از نمایندگان وزارت صمت، وزارت کشاورزی و موسسه استاندارد و وزارت تعاون و وزارت امور اقتصاد و دارایی تشکیل شده است؛ یعنی ۵ بعلاوه رئیس و ۲ نایب رئیس چون هیئت رئیسه اتاق بازرگانی جمعاً ۸ نفر می شوند که نسبت دولتی ها به تشکلی ها نسبت ۵ به ۳ است و همواره دولت در شورای عالی نظارت حاکم است.

این درحالی که است که اکوسیستم اقتصاد رابطه خوبی با دولتی شدن ندارد. به ویژه فضای تجارت با بخش خصوصی است که جان می گیرد و پا می گیرد و قدرتمند می شود. من شما را به مطالعه نقش بخش خصوصی در اقتصادهای موفق دنیا توجه می دهم. رشد اقتصادی را در هر اقتصادی که از دولتی بودن و دستوری بودن فاصله گرفته و به بازار توجه کرده و دست بخش خصوصی را باز گذاشته می بینیم. مگر می شود آنچه را که مثل روز روشن است انکار کرد؛ اما متأسفانه در کشور ما همه چیز دولتی و حاکمیتی است.

رابطه تشکل تجار با احزاب سیاسی و تحولات سیاسی و اجتماعی کشور چگونه بود؟

رابطه تجار با انقلاب چگونه بود؟ رابطه بازاریان با جنگ و جبهه چطور بود؟ سیاست گذارانی که اقتصاد کشور را این چنین ضعیف کرده و دست بخش خصوصی را بسته اند از تاریخ و از نقش این بخش در تحولات مهم کشور غافل شده اند.

متأسفانه امروز ارتباط سیاستیون با بخش خصوصی تنها در دوران انتخابات نزدیک و پرنرنگ می شود و در باقی ایام سال باید در راهروهای مجلس به دنبال نمایندگانی که به آن ها رأی داده ایم بدویم تا مصلحت اقتصاد کشور را به آن ها گوشزد کنیم و در نهایت هم کار خودشان را می کنند.





رویدادهای ایران و جهان





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

ایران و جهان در هفته‌ای که گذشت

تهیه و تنظیم از پیام فیض

جلسه‌ی تازه‌ی روحانی، ناطق، خاتمی و سیدحسن خمینی در منزل جهانگیری



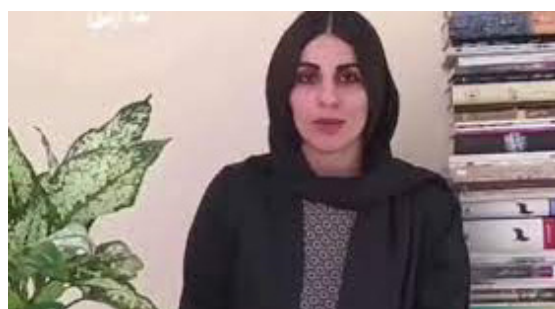
«انتخاب» مطلع شده است که جلسه اخیراً اعتدال گرایان و اصلاح طلبان پیش از محرم در منزل اسحاق جهانگیری برگزار شده است. پیش از این و در ۲۴ خردادماه ۱۴۰۱ بود که روزنامه ایران ارگان دولت، خبر از جلسه‌ای داد که در منزل حسن روحانی و با حضور سیدمحمد خاتمی و سیدحسن خمینی و برگزار شد. این جلسه آن طور که روایت شد در منزل حسن روحانی برگزار شده بود. رسانه دولت آن روز البته مدعی شد: «گفته می شود اقدامات مربوط به اعتراضات اجتماعی و مباحث سیاسی انتخابات آتی، موضوع این جلسه بوده است.» با وجود آنکه در این خبر ادعاهایی در مورد دستور جلسه فوق مطرح بود، اما از سوی هیچ کدام از حاضران واکنشی به ادعاهای منتشره صورت نگرفت. باین حال، آن طور که مطلع شدیم جلسات این جمع به طور منظم در حال برگزاری است و آخرین جلسه آن به میزبانی اسحاق جهانگیری معاون اول دولت روحانی در منزل وی برگزار شد. در این جلسه ظاهراً به بررسی مسائل روز از جمله احیای برجام، مشکلات فضای مجازی و محدودیت های اجتماعی، بحث حجاب و گشت ارشاد پرداخته شده است. اهمیت جلسه فوق ارتباطی به ادعاهای روزنامه دولت ندارد، اما نکات زیر در مورد این جلسه قابل طرح است: اولاً: برگزاری منظم این جلسات نشان می دهد که قرار است همین ترکیب در سیاست نقشی که برای خود در نظر گرفتند را ایفا کنند. دوم: تشکیل این جلسه (که از زمان مرحوم هاشمی ظاهراً شکل گرفته بود) در کنار جلسه ستاد اصلاحات نشان می دهد، قرار است این جلسه سازوکاری با جدیت بیشتر و با دستور جلساتی جداگانه از آنچه در جلسات ستاد اصلاحات دنبال می شود، سیاست را پیگیری کند. سوم: در سال های اخیر سیدمحمد خاتمی و ناطق نوری فعالیت کمتر فعال بودند و یا می توان گفت تا حد زیادی دل زده از سیاست کمتر به فعالیت می پرداختند. فعال تر شدن و تأثیر گذاری بیشتر آن ها ذیل این جلسات می تواند تحقق پیدا کند. چهارم: ترکیب اعضای این جلسه نیز حائز اهمیت است. این جلسات که پیش تر در زمان هاشمی شکل گرفته بود در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی، خصوصاً در دور دوم او به این شکل دنبال نشده بود. مضاف بر اینکه عدم حضور افرادی چون علی لاریجانی هم قابل تأمل است و شاید نشان دهنده حد و حدود ائتلاف ها باشد.

روایت الجزیره از جزئیات پیش نویس اروپا برای احیای برجام



الجزیره درباره جزئیات پیش نویس اروپا برای احیای برجام نوشت: پیش نویس اروپا برای احیای برجام شامل ۴ مرحله و دو دوره زمانی ۶۰ روزه است. در ادامه این مطلب آمده است: اولین روز بعد از امضای توافق تحریم های ۱۷ بانک و ۱۵۰ موسسه اقتصادی رفع می شود. از روز اول اجرای توافق، تهران به تدریج گام های هسته ای خود را به عقب برمی گرداند و به محض اجرای توافق ۷ میلیارد دلار پول بلوکه شده ایران در کره جنوبی، آزاد می شود. ایران پس از احیای برجام ظرف ۱۲۰ روز، ۵۰ میلیون بشکه نفت عنوان بخشی از مکانیسم راستی آزمایی صادر خواهد کرد و ۱۲۰ روز پس از امضای توافق ایران می تواند روزانه ۲٫۵ میلیون بشکه نفت صادر کند.

رئیس شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب: «سپیده رشنو» از زندان احضار شده و کیفرخواست صادره به او ابلاغ شد



حجت الاسلام افشاری، رئیس شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران با اشاره به برگزاری جلسه تفهیم اتهام «سپیده رشنو»، با توجه به کیفرخواست صادره و ارجاع پرونده به این شعبه، گفت: در اجرای قانون آیین دادرسی کیفری و الزام قانون گذار به ابلاغ کیفرخواست، متهم از زندان احضار شده و در شعبه مذکور، مفاد کیفرخواست صادره از سوی دادرسی عمومی و انقلاب تهران به وی ابلاغ شد. وی تأکید کرد: متهم از مفاد پرونده، اتهامات و ادله انتسابی که دایر بر اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور از طریق ارتباط با افراد خارج نشین و فعالیت تبلیغی علیه جمهوری اسلامی و تشویق مردم به فساد و فحشا بود، آگاه شد تا جهت دفاع از خود، با توجه به مفاد کیفرخواست صادره، در جلسه رسیدگی آمادگی لازم را کسب کند.

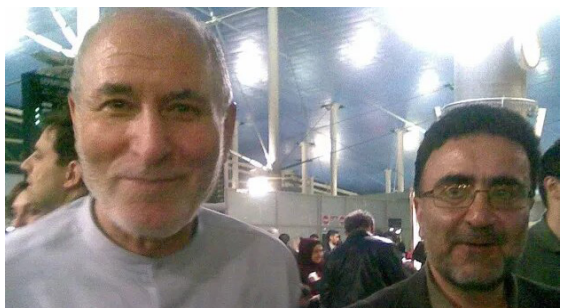
اتخاذ شده است. پس از حمله به سفارت سعودی در تهران و قطع روابط ایران و عربستان در سال ۱۳۹۴، امارات متحده عربی نیز با تبعیت از سیاست ریاض، سطح روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را با تهران کاهش داد و این روابط از سطح سفیر به کاردار تنزل پیدا کرد.

تأمین اجتماعی: افزایش ۳۸ درصدی حقوق بازنشستگان تأیید شد؛ از اول شهریور اجرا می شود



علی دهقان کیارئیس کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران در خصوص افزایش حقوق بازنشستگان سایر سطوح تأمین اجتماعی گفت: امروز در جلسه کانون های بازنشستگان سراسر کشور، سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از تصویب مصوبه افزایش حقوق بازنشستگان سایر سطوح تأمین اجتماعی خبر داد و افزود از اول شهریور حقوق این بازنشستگان ۳۸ درصد به اضافه ۵۱۵ هزار تومان اجرایی می شود. وی با اشاره به اینکه ماده ۹۶ مصوب شورای عالی کار سرانجام اجرایی شده به مهر گفت: مابه التفاوت افزایش حقوق از اول سال به مرور طی ماه های آینده اجرایی می شود. دهقان کیا تأکید کرد: همچنین در این جلسه در خصوص کمک های مسکن و اختصاص سهام به بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز تصمیماتی اتخاذ شد که به زودی اعلام خواهد شد.

نامہ رئیس جبهہ اصلاحات ایران بہ رئیس قوہ قضاییہ در مطالبہ آزادی مصطفی تاج زادہ



به گزارش جماران؛ متن این نامه که در تاریخ ۱۹ مرداد ۱۴۰۱ ارسال شده است از این قرار است: احتراماً، مستحضرید آقای سید مصطفی تاج زاده که چهره های سیاسی است حدود یک ماه قبل توسط مأموران اطلاعات سپاه بازداشت شده و از آن هنگام تاکنون در انفرادی نگهداری شده است. نظر به این که ایشان جز نشر نظرات و تحلیل ها، کنشی نداشته است و همه آن ها در دسترس همگان بوده و هست، احتمال فرار، تبانی و امحاء آثار جرم که دلایل قانونی برای صدور قرار بازداشت است، وجود نداشته و به طریق اولی اکنون که تحقیق مقدماتی انجام و کیفرخواست صادر و رسیدگی تعیین وقت شده است، ادامه بازداشت بلا موضوع است. با توجه به موارد فوق، به نیابت از طرف «جبهه اصلاحات ایران» «مصرانه از آن مقام محترم می خواهم اولاً قرار بازداشت تبدیل و ایشان در اسرع وقت آزاد شوند. ثانیاً به پرونده ایشان در دادگاهی بر اساس «قانون رسیدگی به جرائم سیاسی» مصوب سال ۹۵ به صورت علنی و در حضور هیئت منصفه و در شعبه ای و توسط دادرسانی رسیدگی شود که بی طرفی و عدالت آنان مورد تأیید وجدان عمومی جامعه باشد. ثالثاً ضابطان امنیتی را از مداخله بی رویه در پرونده و به خصوص تحمیل نظر بر قاضی بازدارند. انتظار می رود آن مقام محترم در جهت تحقق وعده ها و رویکردهای اولیه خویش، در این زمینه دستور اقدامات مقتضی صادر فرمایند.

رشیدی کوچی، نماینده مجلس: باید هر چه سریع تر نتیجه ای برای رفتارهای دور از شأن و انتظار گشت ارشاد در نظر بگیریم



یک نماینده مجلس یازدهم درباره وضعیت "سپیده رشو"، بیان می کند که از همان ابتدای امر که آن فیلم منتشر شد و ایشان دستگیر شدند، پیگیری هایی انجام دادیم. بعد از آن هم در تلویزیون مصاحبه ای داشتند و شبهات قوی مطرح شد. این مباحث را داریم پیگیری می کنیم ولی خارج از فضای رسانه. چرا که می خواهیم بررسی کنیم و نتایجش دقیقش را در آینده نزدیک به مردم اعلام کنیم. چون ممکن است این شبهات خیلی دقیق نباشد. بنابراین ابتدا باید اطمینان حاصل و بعد صحبت کنیم. ولی در حال پیگیری این موضوع به صورت ویژه هستیم. جلال رشیدی کوچی که پس از انتشار گزارش رسانه ها درباره شلیک مأمور گشت ارشاد به قهرمان بوکسور سابق تیم ملی، وعده پیگیری در این مورد داده بود، در گفتگو با «انتخاب» درباره نتیجه پیگیری موضوع گشت ارشاد، عنوان کرد: «در حال پیگیری و بررسی موضوع گشت ارشاد، در مجلس و در کمیسیون های مربوط، به صورت غیر عمومی هستیم. غیر عمومی بودن این امر هم به این دلیل است که به نظرم می رسد که حل این مشکل، پیش از آنکه از فشار رسانه ای استفاده کنیم، باید راهکارهایش را در مجلس پیش ببریم و اگر به نتیجه نرسیدیم، بعد به سراغ این موضوع برویم.» این عضو کمیسیون امور داخلی و شوراهای افزود: «نسبت به قبل به نظرم خیلی بهتر شده است ولی من امروز یک ویدیویی از برخورد گشت ارشاد با یک زن دیدم که در رشت اتفاق افتاده بود. با نیروی انتظامی صحبتی کردم تا از جزئیات و قبل و بعد این اتفاق اطلاعی پیدا کنیم؛ اما همین تکه کوتاهی هم که منتشر شده است، متأسفانه دارد اوضاع را بدتر می کند. به نظر می رسد که باید هر چه سریع تر نتیجه ای برای این گونه رفتارهای دور از شأن و انتظار داشته باشیم چرا که به باور من اگر درباره گشت و ارشاد و عملکرد نامناسبش صحبت می کنیم، به معنای این نیست که موافق بدحجابی یا بی حجابی هستیم، بر عکس نگاه ما چون به حجاب یک نگاه متعالی، فرهنگی و فرهنگ سازی است، معتقدیم که با چنین رفتارهایی نه تنها به هدف نمی رسیم، بلکه لطمه هم وارد می کنیم.» رشیدی کوچی تأکید کرد: «این هفته در مجلس؛ هم در کمیسیون امور داخلی کشور در ابعاد امنیتی و هم در کمیسیون فرهنگی و اجتماعی این موضوع را بررسی و پیگیری می کنیم. امیدواریم بتوانیم در برابر تفکرات خاص و تندی که شاید هم خیلی در جامعه حضور ندارند، به نفع مردم و انقلاب پیروز باشیم.»

سفیر امارات پس از حدود ۷ سال به تهران باز می گردد



خبرگزاری رویترز به نقل از وزارت خارجه امارات اعلام کرد که سفیر این کشور در ایران به زودی کار خود را در تهران از سر می گیرد. به گزارش رویترز، وزارت خارجه امارات روز یکشنبه اعلام کرد که سفیر ابوظبی در ایران طی روزهای آتی وظایف خود را در سفارت این کشور در تهران از سر خواهد گرفت. این وزارتخانه اعلام کرد که این تصمیم در راستای «تلاش های امارات متحده عربی برای تقویت روابط با ایران و تصمیم پیشین مبنی بر افزایش سطح نمایندگی دیپلماتیک به سطح سفیر»



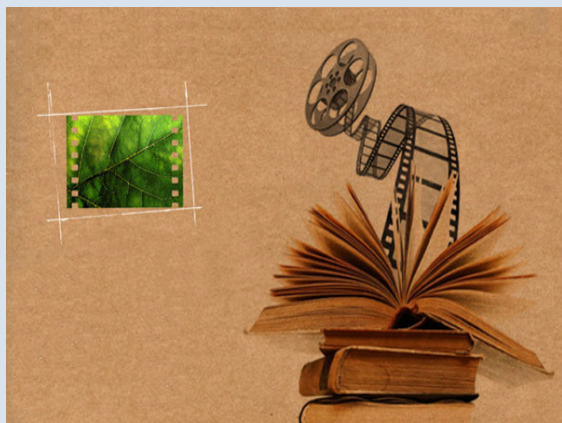
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱



معرفی و پیشنهاد



عشق و نفرت با چاشنی انتقام

تهیه: راضیه گمار

شناسنامه

نام فیلم: خیاطا (The Dressmaker)

ژانر: کمدی، درام

محصول استرالیا

سال انتشار: ۲۰۱۵

مدت زمان: ۱۸۰ دقیقه

زبان: انگلیسی

کارگردان: جوسلین مور هاوس



فیلم خیاطا در ژانر کمدی، درام اگرچه ظاهری کمیک دارد اما در بطن خود رنج‌های زیادی را به نمایش می‌گذارد در این فیلم جامعه‌ای آشنا از طعنه‌ها و حرف‌و حدیث‌ها را می‌بینید جامعه‌ای که تنها ظاهر اعمال را می‌بیند و بر داشت آن از اتفاقات به صورت سلیقه‌ای و مطابق میل رخ می‌دهد و به دنبال حقیقت نمی‌رود در سطح حقایق می‌ماند

در نهایت همین سطحی بودن سبب نابودی آن می‌گردد این سبک از جامعه به ظاهر خوش است و از پس مشکلات بر می‌آید اما در واقعیت این گونه نیست و به جای حل مشکلات در پی یافتن مقصر است مقصری که به او انگ نحسی می‌دهند و کارهای نکرده را گردن او انداخته تا وجدان خود را آرام کنند و وجدانی که هیچ گاه آرام نمی‌گیرد و تنها پشت ابرها مخفی می‌گردد و سپس غلیان کرده و خود را لو می‌دهد

این فیلم را می‌توان جز کمدی سیاه دانست و پس از گرفتن لبخند از شما، آن را برایتان زهر ماری کند اگر چه ممکن است کمی از تماشای این فیلم رنجیده‌ها جز مواردی است که شما را به تفکر در اعمال و رفتار تان و تأثیر بر زندگی دیگران وامی‌دارد این فیلم اقتباسی از رمان به همین نام نوشته روزالی هام است، کیت وینسلت شخصیت اصلی داستان را بازی می‌کند داستان فیلم درباره دختر استرالیایی به نام تیلی است که در دوران کودکی به دلیل اتهامی که به او وارد شده است از مادرش جدا شده و حالا در بزرگسالی در حالی که شرایط برای او کاملاً فرق کرده تصمیم به بازگشت به سوی مادرش را دارد اما اوضاع این گونه که او تصور می‌کند پیش نمی‌رود در جایی از فیلم داریم: «گروهیان فارات گفت که عشق و نفرت قدرتی مشابه دارند و همان طور که می‌شود از کسی متنفر بود این امکان هست که عاشق یک انسان طرد شده هم بود»



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

جهانی سرشار از بیدادگری

تهیه: علیرضا المیر

سلسله

نام کتاب: روزگار سخت

نویسنده: مارگاس یوسا

ترجمه: سعید متین

انتشار: تیرج

تعداد صفحه: ۳۶۰

این اثر در سال ۲۰۱۹ منتشر شده است

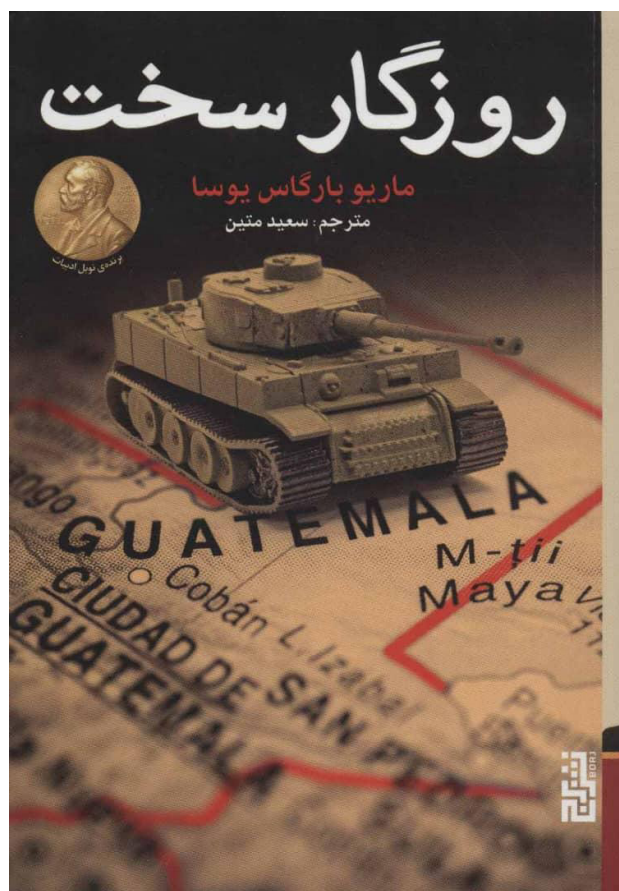
این کتاب تاریخ پر فرازونشیب گواتمالا را در نیمه های سده بیستم میلادی روایت می کند در ست زمانی که در آن ایالات متحده ای آمریکا در کشاکش جنگ سرد، رقابت با اتحاد جماهیر شوروی و برای حفظ منافع و منافع تجاری و اقتصادی خود در آمریکای مرکزی به بهانه های مبارزه با کمونیسم و یا حمایت مالی و تسلیحاتی از شورشیان داخلی و مزدوران خارجی، دست به کودتا در گواتمالا و سرنگون کردن دولت منتخب آن کشور زد و فرایند مردم سالاری را در آن منطقه تانیم بسته به تعویق انداخت.

این کتاب به زیبایی جزئیات پنهان کودتای ۱۹۵۴ در گواتمالا را بازگویی کند که به کار دولت خاکوبو آرنز پایان داد و کارلوس کاستیو آرماس را به ریاست جمهوری کشور رساند. نویسنده در این اثر با ترکیبی از شخصیت های واقعی و خیالی، قدرت تبلیغات و توانایی آن در هدایت افکار عمومی و تبدیل دروغ به راست را به تصویر می کشد.

گفته ای بارگاس یوسا برنده نوبل ادبیات در سال ۲۰۱۰، این رمان، آمریکای لاتین و حشوت و بربریت و خشونت را بازمی نماید؛ جهانی پس معنوب کننده برای ادبیات مولی نه برای زندگی واقعی.

قسمتی از کتاب: روزگار سخت:

مدت ها بعد وقتی در آن دوران تبعید آواروار، حافظه ای خاکوبو آرنس گوسمان نگاهی به آن سه سال و نیم کوتاه در قدرت می انداخت، به یاد می آورد که مهم ترین تجربه ای دولتش همان هفته های آوریل و مه ۱۹۵۲ بود که لایحه ای اصلاحات ارضی را تقدیم هیئت وزیران کرد تا به مجلس ببرند. خوبی دانست که آن لایحه تا چند روز برای آینده گواتمالا مهم و حیاتی است و می خواست پیش از تدوین نهایی در جلساتی علنی میان هواخواهان و مخالفانش به بحث و بررسی گذاشته شود. مطبوعات با نهایت جزئیات پردازی درباره ای آن جلسات که در کاخ ریاست جمهوری برگزار شد، گزارش تهیه کردند و رادیوهای گوشه گوشه ای کشور پیگیر آن بحث هلو بودند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

پزشکان و داروسازان در پیچی تاریخی



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

آنچه در کشورهای دموکراتیک وجود دارد و تصمیم گیری های دفعی و زودگذر باعث شده است که هم اعتماد مردم و هم اعتماد اعضا این صنف به تشکیلات مطبوعشان کاهش یابد؛ و در ادامه سرمایه اجتماعی این بخش مهم و گروه مرجع در بین توده مردم تقلیل یابد.

دوری از رفتارهای حرفه ای، نداشتن نگرش بلندمدت، عدم مداخله در تصمیم گیری ها و سیاست گذاری های کشور، نگاه تقلیل گرایانه به مسائل صنفی، عدم پوشش تمام ذی نفعان، کم توجهی به شرایط عمومی و نیازهای مردم از نقایص این سازمان حرفه ای است. گرچه نگاهی به عملکرد این سازمان در ادوار گذشته هم اثبات کننده ضرورت وجودی آن و هم نشان دهنده نقش مثبت آن در نظام سلامت کشور است.

اکنون که باهمت این عزیزان و سایر فعالین نظام سلامت کشور بحران پاندمی کوید ۱۹ پشت سر گذاشته شده است وقت آن است که بازنگری اساسی در مأموریت این سازمان صنفی صورت گیرد و اشکالات موجود در آن رفع شود تا برای تصمیم گیری در بحران های پیاپی ای که کیان نظام سلامت کشور را به خطر می اندازند، آمادگی لازم وجود داشته باشد.

اول شهریور روز پزشک و پنجم همین ماه روز داروساز است. دو صنف قدیمی همراه که قدمت آن ها تقریباً همپای بشر است. در کتاب های مقدس زرتشتیان از درمانگران در قالب شش نوع پزشک نام برده می شده است که بعضی از آن ها به علت دانش علمی روزگار ما از صحنه خارج شده اند نظیر دعا پزشکان و بعضی دیگر نظیر کارد پزشکان (جراحان) و گیاه پزشکان (داروسازان) کماکان به درمان مردم مشغول اند. این دو مناسبت به یاد ابوعلی سینا و زکریای رازی نام گذاری شده است که هر دو از قله های خرد و دانش و حکمت در قرون ماضی تاریخ ایران زمین هستند.

تشکیلات نظام پزشکی کشور ضمن در برگیری اعضا این دو صنف، اعضا صنوف همراهی نظیر ماماها، پزشکان آزمایشگاهی، دندان پزشکان رانیز شامل می شود؛ و یکی از قدیمی ترین نظامات و تشکیلات صنفی کشور است؛ اما علی رغم پیشینه بالای این اصناف و قدمت بالای تشکیلات صنفی ایشان، ما هنوز تا داشتن یک تشکیلات صنفی منسجم و کارآمد هم برای شاغلین این حرفه ها و هم برای مردم فاصله داریم.

مداخلات مکرر دولت ها در مناسبات تشکیلاتی این صنف گسترده برخلاف

هوشنگ ابتهاج (سایه)

شاعر ارغوان به سایه رفت



هفته گذشته یکی از شاعران بزرگ معاصر ایران در خاک شد. هوشنگ ابتهاج غزل سرا و نو سرای معاصر در سن ۹۴ سالگی و در خارج از کشور، هزاران هزار متر دورتر از موطن مادری اش، با عشق به مردمان سرزمینش درگذشت. سایه در کنار شاعری اش، کنشگری اجتماعی سیاسی بود و دورانی طولانی از زندگی اش را در تحقق ساختن آرمانی بزرگ صرف کرد. ایشان در بر ساختن کانون نویسندگان ایران در سال های ابتدایی بعد از انقلاب ۵۷ فعال بود گرچه نهایتا مجبور به کناره گیری از این تشکیلات شد. وی طبق گفته خودش همواره سمپات و هوادار حزب توده بوده است گرچه عضویت رسمی در این تشکیلات نداشته است. ابتهاج درباره روابطش با توده ای ها می گوید: «عضو حزب توده نبودم، اما همیشه سوسیالیست بودم و به توده ای ها احترام می گذاشتم و رفیق آن ها بودم و با آن ها هم عقیده بودم.» از مشهورترین اشعار وی می توان به شعر ارغوان اشاره کرد که در سال ۱۳۶۲ و در زندان سروده شده است.

ارغوان،

شاخه همخون جدامانده من
آسمان تو چه رنگ است امروز؟
آفتابی ست هوا؟
یا گرفته است هنوز؟

من در این گوشه که از دنیا بیرون است
آفتابی به سرم نیست
از بهاران خبرم نیست

آنچه می بینم دیوار است
آه این سخت سیاه

آن چنان نزدیک است
که چو بر می کشم از سینه نفس
نفسم را بر می گرداند

ره چنان بسته که پرواز نگه

در همین یک قدمی می ماند
کورسویی ز چراغی رنجور
قصه پرداز شب ظلمانی ست
نفسم می گیرد

که هوا هم اینجا زندانی ست

هر چه با من اینجا است

رنگ رخ باخته است

آفتابی هرگز

گوشه چشمی هم

بر فراموشی این دخمه نینداخته است.

اندر این گوشه خاموش فراموش شده

کز دم سردش هر شمع خاموش شده

یاد رنگینی در خاطر من

گریه می انگیزد

ارغوانم آنجاست

ارغوانم تنه است

ارغوانم دارد می گیرد...

چون دل من که چنین خون آلود
هر دم از دیده فرو می ریزد

ارغوان

این چه رازی ست که هر بار بهار
با عزای دل مایم آید؟
که زمین هر سال از خون پرستوها
رنجین است

وین چنین بر جگر سوختگان

داغ بر داغ می افزاید؟

ارغوان پنجه خونین زمین

دامن صبح بگیر

وز سواران خرامنده خورشید بپرس

کی بر این دره غم می گذرند؟

ارغوان خوشه خون

بامدادان که کبوترها

بر لب پنجره باز سحر غلغله می آغازند

جان گل رنگ مرا

بر سر دست بگیر

به تماشاگاه پرواز ببر

آه بشتاب که هم پروازان

نگران غم هم پروازند

ارغوان بیرق گلگون بهار

تو بر افراشته باش

شعر خونبار منی

یاد رنگین رفیقانم را

بر زبان داشته باش؛

تو بخوان نغمه ناخوانده من

ارغوان شاخه همخون جدامانده

... من



نیم نگاهی به مشکلات میوه تکان ها

بر فراز درختان

در این شماره نشریه نگاهی داریم به مشکلات و چالش هایی که میوه تکان ها با آن ها روبرو هستند. بسیاری از میوه های درختان به ناگزیر لازم است توسط فرد انسانی چیده شود و وقتی که این میوه ها بر روی شاخه های بالائی این درختان باشد به ضرورت شغلی آفریده میشود به نام میوه تکانی. در این شماره مشاغل دور از نظر نگاهی میاندازیم به مخاطرات و مشکلات این شغل:

۱. خطر سقوط از ارتفاع به ویژه در مورد درختان بلندقامتی همچون گردو که سالیانه موجب مرگ یا صدمات نخاعی این افراد می شود.
۲. آسیب به چشم ناشی از برخورد سرشاخه ها به چشم افراد حین کار
۳. واکنش های آلرژیک شدید که گاه موجب بستری شدن آن ها می گردد
۴. آفتاب سوختگی و گرمزدگی
۵. ناپایداری و بی ثباتی در کار
۶. عدم بیمه و مزایای دیگر مشابه.

شهرستان تویسرکان در استان همدان با بیش از شش هزار و ۱۰۰ هکتار باغ های گردو، سالانه حدود ۱۷ هزار تن مغز گردو تولید می کند اما از سوی دیگر در روزهای برداشت گردو، هر ساله شاهد سقوط و مصدومیت بیش از ۱۰۰ نفر از گردو تکانان در این شهرستان هستیم که قطع نخاع و فوت تعدادی از آن ها را در پی دارد.

مشاغل دور از نظر

تهیه شده توسط کمیته آموزش و توانمندسازی حزب اراده ملت ایران



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

زمین با کرونا نفس تازه کرد

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

شیوع پاندمی کووید ۱۹ (کرونا) همه جوانب زندگی روزانه بشر از جمله سلامت، روابط اجتماعی، فعالیت اقتصادی، نحوه خرید و فروش، آموزش و ... را تغییر داده است و همچنین اثرات مثبت و منفی بر موضوعات کلانتر از جمله محیط زیست داشته است.

با تأیید شیوع پاندمی کووید ۱۹ (کرونا) از سوی سازمان بهداشت جهانی، دولت ها برای مقابله با گسترش کووید فاصله گذاری اجتماعی، قرنطینه و محدودیت های تردد کردند که منجر به کاهش فعالیت صنایع، تردد خودروها، سایر فعالیت های انسانی و ... شده است. با کاهش فعالیت های انسانی محیط زیست فرصتی برای تجدید خود یافت که اثرات مثبت آن را می توان در اینفوگرافی که توسط ایمنارائه شده است، مشاهده کرد. لازم به ذکر است که اثرات مثبت کرونا بر محیط زیست موقت و کوتاه مدت است.

اما کووید اثرات منفی نیز بر محیط زیست داشته است که از جمله چالش هایی آن می توان به این موارد اشاره کرد، افزایش مصرف آب شرب و بهداشتی به دلیل افزایش شستشو، افزایش مصرف مواد شوینده و ضد عفونی کننده، افزایش پسماند خانگی، بیماری ستانی، ظروف یک بار مصرف و پلاستیک، کاهش میزان باز یافت، افزایش شکارهای غیر مجاز به دلیل کاهش فعالیت های حفاظتی از مناطق و زیستگاه های حیات وحش و ...

از دولت ها انتظار می رود در دوران پسا کرونا برای بازسازی فعالیت های اقتصادی و اجتماعی اقدامات و راهکارهای مبتنی بر محیط زیست و توسعه پایدار را مورد توجه قرار دهند. همچنین با آگاهی از اثرات منفی کووید بر محیط زیست باید رفتارهای محیط زیستی را به افراد جامعه آموزش داد تا از تبعات آن در بلندمدت کاسته شود.

تهیه: مهشید قاسمی



اخبار حزبی



موشکافی تفکرات سلفی و ریشه های آن در جلسه دفتر سیاسی

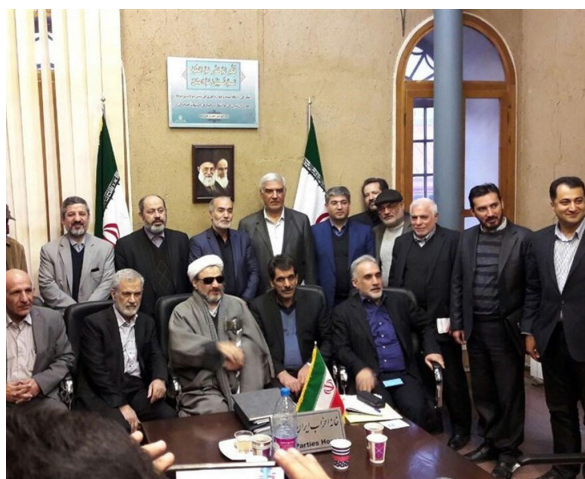


جلسه دفتر سیاسی حزب طبق روال مرسوم، روز یکشنبه ۲۳ مردادماه با حضور تمام اعضا تشکیل شد. در این جلسه بعد از تبادل نظر و تحلیل در مورد مسائل روز کشور ابتدا گزارش کاملی از آخرین کنگره سازمان عدالت و آزادی توسط علی احسان سلگی ارائه گردید. ایشان با تمرکز بر ویژه نامه منتشر شده در رابطه با این کنگره، آخرین دیدگاه ها و نقطه نظرات اعضا ارشد این سازمان را مطرح کردند. سازمان عدالت و آزادی با مرکزیت شهر اصفهان از مجموعه احزاب اصلاح طلب کشور است که بعد از دوم خردادماه سال ۱۳۷۶ فعالیت تشکیلاتی خود را آغاز کرده است. در بخش دوم جلسه و با توجه به گزارش های ارائه شده در مورد ترور و مرگ امین الطواهری رهبر تشکیلات القاعده، نگاهی انداخته شد به پیشینه تفکر بنیادگرایی و سلفی گری در دنیای اسلام. در این قسمت احمد حکیمی پور دبیر کل حزب و صاحب اثری در مورد سید قطب ریشه های این تفکر را مورد موشکافی قرار دادند و ارتباطات این حرکت را با جنبش های قدیمی تر مانند اخوان المسلمین و دیوبندیه توضیح دادند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

نماینده حزب اراده ملت ایران در انتخابات خانه احزاب معرفی شد



با نزدیک شدن به زمان انتخابات خانه احزاب ایران و با توجه به اینکه در این دوره احمد حکیمی پور دبیر کل حزب تمایل به حضور در این انتخابات را ندارند، محمد مسیبی عضو شورای مرکزی حزب و دبیر حزب در استان البرز، از طرف دبیر کل برای حضور در این انتخابات معرفی شد. انتخابات دور جدید خانه احزاب (دور هشتم) در هفته اول شهریور برگزار خواهد شد و سه فراکسیون آن اعضا اصلی و علی البدل خود را انتخاب خواهند نمود. هر فراکسیون ۷ عضو اصلی و ۳ عضو علی البدل خواهد داشت و نهایتاً شورای مرکزی خانه احزاب کشور را با ۲۱ عضو شکل خواهند داد. خانه احزاب ایران از سال ۱۳۷۹ فعالیت خود را شروع نموده است؛ و از همان دور اول احمد حکیمی پور دبیر کل حزب به عنوان عضو شورای مرکزی این تشکیلات صنفی فعالیت کرده است. ایشان در دور دوم فعالیت خانه احزاب (۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴) عضو هیئت رئیسه این تشکیلات مردم نهاد بوده است.

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

دیدار دبیر کل حزب با محسن اسلامی مدیر کل دفتر سیاسی وزارت کشور



هفته گذشته احمد حکیمی پور در وزارت کشور حضور یافت و با دکتر محسن اسلامی مدیر کل دفتر سیاسی این وزارت خانه دیدار کردند. در این دیدار بحث پرونده حزب اراده ملت ایران و تصویب تغییرات اساسنامه آن همراه با تائید نهائی کنگره دهم حزب (مرداد ۱۴۰۰) مورد تبادل نظر قرار گرفت. در این جلسه دکتر حکیمی پور شرحی خلاصه از کنگره های حزب از سال ۱۳۹۱ به بعد را ارائه دادند. در همین راستا آقای محسن اسلامی تأکید کردند که با توجه به برقراری مجدد و منظم جلسات کمیسیون ماده ده احزاب این موضوع هر چه سریع تر در دستور کار قرار خواهد گرفت.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۴۵

۱ شهریور ماه سال ۱۴۰۱

علیرضا برزویی مقدم در جایگاه بازرس اصلی حزب قرار گرفت.



به دنبال استعفای علی مهری از سمت بازرسی حزب اراده ملت ایران، بازرس اول علی البدل جایگزین ایشان شد.

آقای علیرضا برزویی مقدم از اعضا قدیمی حزب می باشند که در آخرین کنگره حزب (کنگره دهم) به عنوان بازرس علی البدل اول انتخاب شده بودند. ایشان از مسئولین کانون هواداران باشگاه استقلال تهران می باشند.

علی مهری از اعضا قدیمی حزب و دبیر سابق شعبه استان آذربایجان شرقی حزب بودند که ماه گذشته به علت مشکلات شخصی استعفای خود را تقدیم دبیر کل و ریاست شورای مرکزی حزب نمودند.





سازمان آگهی

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را
به آدرس پایین ایمیل

Hgolami1367@gmail.com

و یا

به شماره زیر از طریق واتساپ ارسال نمایید

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵

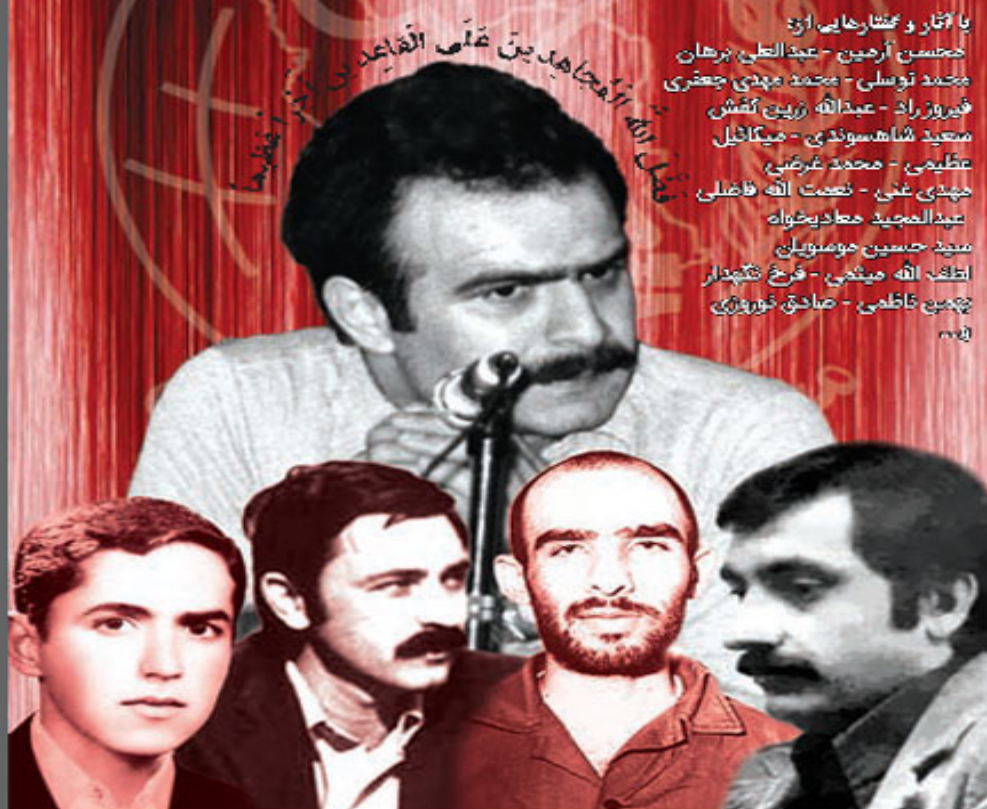
خاطرات

www.khsmag.ir

۱۶ خاطرات سیاسی ۱۴۰۱

شماره ۱۶، فصل ۱، زمستان ۱۴۰۱
مقاله بهار - شماره ۱۶ - بهار ۱۴۰۱
۱۶۰۰ صفحه - ۱۶۰۰ تومان

تغییر خونبار ۵۴



فروشگاه و نمایشگاه نوین چوب

معصومی



بخش MDF، ACT های گلاس، پلی گلاس، کینگ گلاس، نتوبان، صفحه و سه میل ...

طراحی و ساخت انواع کابینت و پارتیشن و ...

۰۸۱۳۳۲۶۷۷۰۰۶



۰۹۱۸۱۱۰۰۰۱۲، ۰۹۳۹۶۳۹۸۶۸۰



همدان: میدان امام حسین، بلوار الغدير، بعد از کوچه خير خواه



سپر بلای زندگی شما
برای همه مردم ایران



نماینده بام زر

کد: ۳۲۷۵



♦ بیمه اتومبیل (ثالث و بدنه) ♦ بیمه عمر و سرمایه گذاری

♦ بیمه آتش سوزی و حوادث ♦ بیمه مسئولیت و کارفرما

مشاوره 24 ساعته رایگان

۰۹۱۸۸۵۰۶۳۰۰

۳۳۲۴۲۶۲۴

نقد و اقساط

استان همدان، نهاوند، خیابان آزادگان، روبه روی کوچه دکتر صالح

انتشارات خزه ارائه میکند



تهران، خیابان ولیعصر، انتهای پارک ساعی، کوچه شهید امینی، پلاک ۲، واحد ۷

تلفن: ۰۲۱۸۸۶۵۱۲۱۹۰
همراه: ۰۹۱۹۹۰۷۰۳۳۷